

تولید برنامه‌های تلویزیونی جذاب در عرصه طنز با چه راهکارهایی عملی می‌شود؟

فوت کوزه‌گری در طنز تلویزیونی

صفحات ۴ و ۵



طرح: احسان نوری نجفی

با هیئت اندک
برای آینده‌ای روشن سرمایه گذاری کنید
فروش زمین در مشهد، ابتدای جاده میامی
(فاصله ۳۰ کیلومتر تا حرم) یا سند قطعی و کلیه استعلامات
دولتی و تخفیف ویژه به مناسبت سال نو تا ۲۰ اسفندماه
برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید
۰۹۱۵۰۰۶۶۶۰۶ - ۰۹۱۹۵۶۰۴۶۰۹

دفتر پدیرش: ۲۷-۸۸۴۴۲۲۲-۲۱ • ۲۲-۲۴۴۴۷۴۴-۲۱ • دسترسی آسان ۱۸۸۲
سازمان آگهی‌ها: ۹-۸۸۶۷۳۸۵-۲۱
جیم جم
www.jamejonline.ir
یکشنبه‌ها نوآوری‌های IT ایران و جهان

طنز تلویزیونی
اخم‌ها و لبخندها

علی افشار

بسیاری از کارشناسان رسانه و پژوهشگران بر این عقیده‌اند که تولید طنز تصویری یا ادبی در کشور ما از دو بعد، کاری دشوار و حساس است. یکی از این بابت که بسیاری از باورهای عقیدتی و عرفی، برخلاف برخی ملل و فرهنگ‌های عمدتاً غربی، اجازه ورود طنزپرداز یا سازنده فیلم یا برنامه‌تلویزیونی به مسائل طنز را نمی‌دهد و دوم این که اصولاً خندانند مخاطب باهوش ایرانی، کار ساده‌ای نیست و اینجا گاه حتی کلیشه‌ها هم برای جذابیت‌بخشیدن به یک اثر طنز، کارکرد خود را از دست می‌دهند!

این روزها که به نوروز ۹۳ نزدیک می‌شویم و از سویی راه‌اندازی شبکه تلویزیونی نسیم، به یکی از مهم‌ترین شبکه‌ها برای سرگرم کردن مخاطبان این رسانه بدل شده است، لزوم دقت در تعریف طنز و پرهیز از کلیشه‌های برنامه‌سازی در این عرصه بیش از پیش جدی به نظر می‌رسد.

اگر بخواهیم بر عرصه طنز تلویزیونی متمرکز شویم و راهکارهای تازه‌ای را برای جذابیت، اثربخشی و ارتباط کارهای طنز با مردم - بویژه نسل نوی مخاطبان رسانه ملی - جستجو کنیم، باید ضمن توجه به این دو مساله مهم، یک بار دیگر، دو راه طی شده در این زمینه را مرور کنیم تا به نتایج بهتر و در دسترس‌تری برسیم.

یکی از روش‌هایی که به طنز تلویزیونی رونق داده و می‌توان باردیگر به آن رجوع کرد، استفاده از طنزپردازان متخصص است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده معمولاً افرادی که به عرصه طنز تلویزیونی به عنوان محملی برای آزمون و خطا می‌نگرند، نتیجه مثبتی برای تلویزیون ندارند چرا که اثرشان جز تکرار ضعیف کلیشه‌های امتحان پس داده نمی‌تواند جذابیت تازه‌ای برای مخاطب تلویزیونی داشته باشد. باید به این نکته هم توجه داشت که طنزپرداز متخصص، لزوماً به معنای تکرار و تکرار در استفاده از چند چهره ثابت نویسنده یا کارگردان در این عرصه نیست و اگر دقت لازم صورت بگیرد و بتوان فرصت‌ها را بدرستی تقسیم کرد، می‌توان از نوجویان و چهره‌های نوی علاقه‌مند به حضور در این عرصه نیز بهره گرفت.

یکی دیگر از این راهکارها، رجوع به منابع غنی طنز در ادبیات ایران و تنوع در شکل ارائه طنزهای تلویزیونی (در قالب انیمیشن‌های کودکانه، تله‌تئاترها، برنامه‌های تکریمی برای سنین مختلف و...) است. شیوه‌ای که بارها جواب داده و قطعاً به دلیل ریشه‌های محکم فرهنگی - ادبی کشور، رجوع به این ریشه‌ها - به شرط برخورداری از سواد، هوش، خلاقیت و توان لازم - هیچ‌گاه بی‌نتیجه نخواهد بود.

یادآوری این نکته ضروری است که منظور از بازگشت به گذشته، هیچ‌گاه افتادن به ورطه تکرار نیست و تجربه ثابت کرده تکرار مکررات، نتیجه‌ای جز ابتذال و دلزدگی مخاطب از برنامه‌های تلویزیونی به همراه نخواهد داشت. مقصود این است که برنامه‌ساز طنز تلویزیونی ضمن روزآمدی، شناخت نسل نوی مخاطبان این رسانه و نگاه به آینده، همواره به ریشه‌های ادبی و گذشته کارآمد برنامه‌سازی در این عرصه رجعت کند و این توانایی را داشته باشد که از تجربه‌های مفید بهره ببرد. آن‌گاه است که دیگر شاهد نخواهیم بود برنامه‌ساز طنز تلویزیونی برای خندانند مخاطب مجبور باشد نیم‌ساعت تلاش کند و دست آخر هم جای آن که لبخند را به گوشه چهره بیننده تلویزیونی بیاورد، موجب شود اخم‌های او در هم برود و عطای دیدن برنامه طنز را به لقای آن ببخشد!

سیاوش مفیدی / چشم به اجرای ورزشی ندارم



سیاوش مفیدی، بازیگر مجموعه تلویزیونی «خنده‌بازار» که مدتی است اجرای بخشی از برنامه ورزشی «فوتبال برتر» را به عهده دارد، درباره حضور خود در این برنامه و در اظهارنظری گفته است: حضور من در برنامه فوتبال برتر به دلیل بحث‌های ورزشی برنامه نیست، بلکه بیشتر به بخش قرعه‌کشی رالی هواداران برمی‌گردد. به فوتبال علاقه دارم و در جریان مسابقه‌ها و اخبار آن هستم، اما ترجیح می‌دهم در بحث‌های تخصصی این ورزش شرکت نکنم. مفیدی که این روزها در سریال نوروزی «خوب، بد، زشت» به کارگردانی منوچهر هادی بازی می‌کند، گفته: ورزش یک مقوله تخصصی است و من سعی می‌کنم در برنامه فوتبال برتر بیشتر در بخش قرعه‌کشی اجرای پرورنگی داشته باشم؛ زیرا اگر حرفی درباره فوتبال بزنم، ممکن است با واکنش‌های منفی اهالی این رشته و روزنامه‌ها و نشریات تخصصی مواجه شوم. در فضای این ورزش حتی وقتی خود فوتبال‌ها هم حرفی می‌زنند، گاهی به بی‌تخصصی متهم می‌شوند. سیاوش مفیدی که بیشتر در برنامه‌های طنز توانست توانایی خود را در بازآفرینی شخصیت‌های مختلف به نمایش بگذارد، پیش از این اجرای مسابقه «رقابت بزرگ» را در گروه ورزش شبکه سه سیما به عهده داشت.

آتش تقی‌پور / مرگ هم می‌تواند لذت‌بخش باشد



آتش تقی‌پور، بازیگر باتجربه تئاتر، تلویزیون و سینما که این روزها در تله‌فیلم «لعتنی خنده‌دار» به کارگردانی بیژن شیرمرز بازی می‌کند، در این کار تلویزیونی ایفاگر نقش پدری است که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند و قلب او باید عمل شود، زیرا در غیر این صورت می‌میرد. او که از این حضور تازه رضایت دارد، درباره مواجهه با مرگ گفته است: حتی مرگ هم می‌تواند لذت‌بخش باشد و انسان می‌تواند با شوخی و خنده از دنیا برود. انسان می‌تواند خیلی شاد از دنیا برود و مرگ را با آغوش باز بپذیرد و برای مردم هم این موضوع آن قدر دردناک نباشد. مردن، مردن است. انسان می‌تواند حتی اگر بیمار است تا آخرین لحظه با شوخی و خنده سپری کند. گرچه ممکن است وقتی درد سراغ آدم می‌آید نتواند این گونه برخورد کند. بازیگر سریال‌های «سربداران» و «مسافر» با اشاره به این که درونمایه این فیلم تلویزیونی تلخ نیست، افزوده است: ما دنبال سیاه‌نمایی نیستیم، زیرا به اندازه کافی در زندگی اجتماعی، سیاسی و خانوادگی سیاه‌نمایی داریم و همه چیز را تیره می‌بینیم. در صورتی که حتی مرگ هم می‌تواند لذت‌بخش باشد. تله‌فیلم لعتنی خنده‌دار برای عرضه در شبکه نمایش خانگی تهیه و تولید می‌شود.

عباس غزالی / در دسرهای یک شایعه



گاهی فضای مجازی منشا ایجاد حواشی و شایعه‌پراکنی پیرامون زندگی هنرمندان بوده است و این روزها شایعه‌پراکنی‌ها در دسرهایی برای عباس غزالی، بازیگر سریال‌های «وضعیت سفید» و «مادرانه» به وجود آورده است. داستان از آنجا آغاز می‌شود که یکی از خبرگزاری‌ها برداشت برخی مخاطبان را در قالب پیامکی با این مضمون که عباس غزالی با گذاشتن تصویری در صفحه اینستاگرامش، غیرمستقیم به راهپیمایی دهه فجر توهین کرده، به اهالی هنر ارسال کرد! بازیگر موفق سریال تلویزیونی وضعیت سفید که در این سریال نقش بهروز را بازی می‌کرد، با اظهار شگفتی از برداشت غلطی که از عکسی که در یکی از صفحات اجتماعی گذاشته، گفته است: برای افکار مسمومی که قصد خراب کردن هنرمندان و دیگر دوستان را دارند، متأسفم. من فرزند این نظام هستم. ما هرچه داریم از انقلاب است. به داشتن مردمی که همواره در صحنه حضور دارند و خودشان را درگیر حاشیه‌ها نمی‌کنند، افتخار می‌کنم. خدای مهربان از دل همه بنده‌هایش خبر دارد و جای حق نشسته است. من فرزند این نظام هستم و خوشحالم که در تلویزیون این نظام بزرگ شده‌ام. «داستان یک شهر» و «رستگاران» از دیگر کارهای تلویزیونی غزالی بوده است.

جواد عزتی / به درد همین نقش می‌خورم



جواد عزتی، بازیگر نقش قاسم در مجموعه تلویزیونی «سرزمین کهن» - که بازی او را در فاز دوم این سریال شاهد خواهیم بود - درباره حضورش در این سریال و ایفای نقشی مثبت گفته است: برایم جالب است که بعد از بازی در هر نقشی همه به من می‌گویند تو فقط و فقط به درد همین نقش می‌خوری. در حالی که من نقش‌های زیادی را تجربه کرده‌ام، از پیرمرد گرفته تا خواستگاری که سر و وضعی شلخته دارد یا روحانی. اما بعد از آن، هم پیشنهادهای بازی مشابهی به من می‌شود و هم نظر اطرافیان بر این است که بهتر است همین نقش‌ها را ادامه دهم. بازیگر سریال‌های «دودکش» و «سه دونگ سه دونگ» - که در سریال سرزمین کهن با بازیگران زیادی از جمله شهاب حسینی همبازی است - با اشاره به خاطره‌ای از بازی با شهاب حسینی در این سریال گفته: من و شهاب حسینی در سکانسی از سرزمین کهن با عجله از یک دری وارد و از آن خارج می‌شدیم. صحنه خارج شدن ما از در یک سال بعد از وارد شدن ما تصویربرداری شد. باید هم همین طور باشد؛ زیرا ما در برابر مردم و همین طور مخاطبان حرفه‌ای که همکاران خودمان هستند باید جویگو باشیم. بازیگری حرفه ماست و باید توان ظاهر شدن در هر نقشی را داشته باشیم. البته برایم مهم است که در نقش‌های تاثیرگذار بازی کنم.

حامد کمیلی / زندگی کردن با نقش‌ها



حامد کمیلی که امسال با فیلم «خانه‌ای کنار ابرها» در جشنواره فجر حضور داشت و مدتی است در تلویزیون حضور کم‌رنگی دارد، تأکید کرده اگر پیشنهاد تلویزیونی خوبی به او شود، حتماً می‌پذیرد. این بازیگر که بازی در تیپ‌های متفاوتی را در کارنامه خود دارد، آخرین بار در سریال «پروانه» به کارگردانی جلیل سامان در تلویزیون حضور یافت که این سریال و بازی او مورد استقبال مردم و منتقدان قرار گرفت. کمیلی در تازه‌ترین اظهارنظر خود درباره حضور در تلویزیون گفته است: اگر باز هم کار خوبی باشد مطمئن باشید آن را قبول می‌کنم، زیرا من یک کار خوب تلویزیونی را به یک اثر متوسط سینمایی ترجیح می‌دهم. کمیلی دلیل ارجح دانستن بازی در یک سریال خوب تلویزیونی نسبت به فعالیت در سینما را به چشم آمدن کار دانسته و گفته است: در تلویزیون با نقش‌هایم ارتباط برقرار می‌کنم و می‌کوشم آنها را زندگی کنم، به شکلی که دوره‌ای از زندگی مرا در برمی‌گیرد. سریال‌هایی چون «پیامک از دیار باقی»، «خانه شش در» و «نقش جهان» از کارهای پرمخاطبی است که حامد کمیلی در آنها ایفای نقش کرده است. همچنین «زیباتر از زندگی» جزو کارهایی سینمایی است که با بازی او در سینماها به نمایش درآمد.

رزیتا غفاری / غرق شدن در آلودگی هوا



هفته گذشته، رزیتا غفاری بازیگر سینما و تلویزیون مهمان سری جدید برنامه «کافه سوال» - که با وقفه‌ای چند روزه پخش آن از سرگرفته شده است - بود تا او نیز با گله از آلودگی هوا از معضلاتی که در این خصوص با آن دست و پنجه نرم می‌کند، بگوید. بازیگر سریال‌های «در پناه تو»، «تبریز در مه» و «در قلب من»، در پاسخ به این پرسش که چه نمره‌ای به خود برای کاهش آلودگی هوا می‌دهد، گفت: به‌رغم این که استفاده از وسایل نقلیه عمومی ممکن است برای بازیگران کمی سخت‌تر باشد، اما سعی می‌کنم تا حد امکان از وسایل نقلیه عمومی مثل مترو استفاده کنم. نمی‌دانم شاید نمره ۱۵ تا ۱۶ به خود بدهم. این بازیگر سینما و تلویزیون که بتازگی از بازی در کاری در شمال کشور برگشته است با بیان این که علت بسیاری از بیماری‌ها آلودگی هواست، گفته: وقتی به تهران نزدیک می‌شویم، آلودگی هوا کاملاً احساس می‌شود و متأسفانه در این آلودگی هوا غرق شده‌ایم. یکی از آرزوهایم انتقال پایتخت از تهران است و در کل امیدوارم شرایطی مهیا شود که بتوانم در شهری جز تهران سکونت داشته باشم؛ زیرا آلودگی هوا بسیار خطرناک است.



نگاهی به تازه ترین حرکت حمایتی تلویزیون از سینما

وقتی تلویزیون هدایت می کند

احمد رضا علیزاده

عامل تلویزیون با سینمای ایران در مقاطع مختلف تاریخی، کارساز و پرثمر بوده است. در سال‌های اخیر و با توسعه شبکه‌های رسانه ملی، همکاری چهره‌های سینمایی برجسته از شبکه‌های مختلف تلویزیون و پخش آثار سینمایی تعاملات است، اما اگر بخواهیم نگاهی دقیق‌تر به این ماجرا داشته باشیم، به این نتیجه می‌رسیم که تلویزیون در سال‌های اخیر همکاری‌های مثمرتری با سینمای کشور داشته یا به عبارتی، میزان تأثیرگذاری تلویزیون بر سینما، فراتر از تأثیری بوده که سینما بر رسانه ملی گذاشته است، به طوری که اگر طی دو سه سال اخیر به جشنواره فیلم فجر به عنوان آینه سالانه محصولات سینمای ایران نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که هر سال پدیده‌های سینمای ایران در جشنواره فیلم فجر فیلم‌هایی همچون چند متر مکعب عشق (جمشید محمودی که از فعالان تلویزیون طی سال‌های گذشته بوده، تنهای تنهای آنها (احسان عبدی‌پور که با حمایت صداوسیما ساخته شده) و روزهای زندگی (پرویز شیخ‌طادی که در سینما تولید شده) ریشه یا خاستگاه تلویزیونی داشته که این خود می‌تواند نشانه‌ای از حجم تأثیرپذیری سینمای ایران از

حمایت‌های تلویزیون باشد.

یکی از نمونه‌های تازه و قابل تأمل در این زمینه، اعلام حمایت گروه فیلم‌های تلویزیونی شبکه دو و حوزه هنری کودک و نوجوان از طرح‌ها و فیلم‌های صد تاییه‌ای در شش محور خردورزی و فلسفه، اخلاق اجتماعی، سبک زندگی، بازی، ورزش و سرگرمی، علم و فناوری و زبان فارسی است. اقدامی که در خصوص حمایت از تولید و پخش فیلم‌های کوتاه و صد تاییه‌ای صورت گرفته و طی آن اعلام شده از طرح‌ها و فیلم‌هایی که کودکان و نوجوانان، همچنین دست‌اندرکار تربیت شامل پدران و مادران، مربیان، مدیران و سیاستگذاران را مخاطب قرار داده باشند، حمایت خواهد شد. آموزش مهارت‌ها و ویژگی‌هایی مانند فکر کردن، استقلال رأی و فلسفه به کودکان، آموزش ویژگی‌های مثبت اخلاقی (کار گروهی، همت بلند در کارها و نگاه جهانی به مسائل) به کودکان و نوجوانان و تشویق آنها به پرهیز از ویژگی‌های منفی اخلاقی، بررسی پیامدهای مسأله‌ها و آسیب‌های اجتماعی، شناسایی پیامدهای ترویج غیرمستقیم سبک زندگی غیربومی از طریق آموزش زبان‌های خارجی، ترویج بازی‌های سنتی و ورزش‌های بومی برای مخاطبان کودک و نوجوان، بررسی اثرات رسانه‌های

نویسن، ترویج استفاده درست از واژگان و دستور زبان فارسی و مسائلی از این قبیل، از رویکردهای محوری و مشخصی است که در حمایت تازه تلویزیون از سینما به عنوان محور می‌توان به آنها اشاره کرد. آنچه مسلم است در مقطعی که بسیاری از انتقادات نسبت به سی و دومین جشنواره فیلم فجر به محتوای آثار به نمایش درآمده صورت گرفته بود و مشخصاً بسیاری از کارشناسان، ضعف فیلمنامه و قصه‌پردازی را پاشنه آشیل سینمای ایران در سال‌های اول دهه ۹۰ دانسته‌اند، این‌گونه سیاست‌های حمایتی می‌تواند ضمانتی برای آینده سینمای ایران باشد و قطعاً از روش‌های حمایتی زودبازده و مقطعی، ثمرات پربرتری خواهد داشت. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد مدیریت تلویزیونی برای ارتقای سینمای ایران یک نسخه اثرگذار باشد و حمایت‌های تلویزیونی یا همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه مانند همکاری اخیر شبکه دو با حوزه هنری از حیث هدف‌گذاری قابل‌بحث‌تر از فعالیت‌های بی‌هدف و گاه تزئینی به نظر می‌رسد. حداقل این که می‌توان از ورای تولید فیلم‌های کوتاه، اما محتوای محور صد تاییه‌ای، در آینده منتظر ظهور و رشد شیخ‌طادی‌ها، عبدی‌پورها و محمودی‌ها در سینمای ایران بود و همین میزان نتیجه‌بخشی، امیدوارکننده است.

هویت گمشده

خدایار قاقانی

تجربه شکل‌های مختلف تولید آثار نمایشی برای یک فیلمساز با کسب تجربه‌های باارزش همراه است و اگر از این دیدگاه به روند تولید فیلم سینمایی و فیلم تلویزیونی و رفت و آمد کارگردان‌ها در این دو حوزه بنگریم، به این نتیجه می‌رسیم این نگرش که یک حوزه، قابلیت و اعتبار بیشتری نسبت به دیگری دارد، تصور نادرستی است.

درواقع، آنچه فعالیت در این حوزه‌ها را از هم متمایز می‌کند، هویت فردی فیلمساز است که البته به نظرم در نسل جدید فیلمساز گم شده است و کمتر ردپایی از این هویت و فردیت را می‌توان میان این دست کارگردان‌ها جستجو کرد. از آن سو باید به این نکته اشاره کرد که متأسفانه مسائل اقتصادی در این زمینه حرف اول را می‌زند.

به عبارت دیگر بسیاری از فیلمسازان ما کار در سینما را فقط به همین دلیل کنار گذاشته‌اند یا با این که نوع فعالیت آنها برای سینما مناسب است، به سمت تلویزیون آمده‌اند، اما اگر بخواهیم نگرشی منطقی داشته باشیم، چه اصراری وجود دارد وقتی یک کارگردان شرایط فیلمسازی ندارد، فقط به این بهانه و بدون آن که میل و رغبتی به فعالیت در این عرصه داشته باشد، به سمت کار در تلویزیون برود؟ آیا جز این است که مشکلات مالی سبب می‌شود یک فیلمساز مشهور، ولو برخلاف میل شخصی سر از تلویزیون یا گاهی سر از سینما درآورد؟ آیا محصولی که از این فیلمساز تلویزیونی یا سینمایی به دست می‌آید، می‌تواند در قد و قواره خالقش باشد؟ هرچند نمی‌توان این واقعیت را از نظر دور داشت که برخی تکلیف خودشان را مشخص کرده‌اند و به عرصه کارگردانی، صرفاً به‌عنوان محلی برای کسب درآمد یا تشویق شدن می‌نگرند و به همین دلیل است که هر طور شده، سالی یکبار در سینما یا در تلویزیون، فیلم می‌سازند.



برخی افراد در هر دو عرصه موفق شده‌اند و آنچه آنها را از هم متمایز می‌کند، هویت فردی و نوع شناختشان از تفاوت‌های دو حوزه سینما و تلویزیون از یکدیگر است. مثلاً وقتی کسی که مستند می‌سازد، به یقین می‌تواند فیلم سینمایی نیز کار کند، به شرط آن که بتواند فاصله میان آنها را به درستی تعریف کند. مصادیق این دو رویکرد، آشکار است. می‌توان از هومن سیدی نام برد که به‌عنوان یک کارگردان هوشمند در هر دو عرصه خوب کار می‌کند و برخلاف او می‌توان به سعید آقاخانی اشاره کرد که اولین فیلم سینمایی او در سی و دومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و در حد و اندازه کارهای موفق تلویزیونی او نبود.

به نظر می‌رسد برخورداری از هویت فردی و عشق به فعالیت در تلویزیون و سینما، گمشده‌ای است که اگر در هر فیلمسازی وجود داشته باشد، می‌توان شمایل یک هنرمند را در او دید. البته این قضیه هم واضح است که بخشی از این قضیه که به حمایت و هدایت فیلمسازان برمی‌گردد، متوجه مدیریت‌هاست؛ مدیریت‌هایی که باید دغدغه فرهنگی لازم برای جهت‌دهی و حمایت از کارگردان‌ها در دو عرصه سینما و تلویزیون برخوردار باشند.

مردم در قاب

خورشیدی که به خانه نمی‌تایید

رکسانا قهقرایی

تلفن خانه زنگ می‌خورد. مادر در آشپزخانه مشغول شستن ظرف‌هایی است که از مهمانی شب گذشته تلبار شده است. خسته و بی‌حوصله به نظر می‌رسد و این پا و آن پا می‌کند. او همیشه از انجام کارهای تکراری منزل و روند معمول زندگی گلایه دارد. از این که با وجود همه وسایلی که زندگی را ساده‌تر کرده است، باز هم زمان کم می‌آورد و نمی‌تواند وقتی را به خودش اختصاص دهد. مدت‌هاست می‌خواهد برای کنکور ارشد خودش

را آماده کند. او علاقه زیادی به رشته ادبیات نمایشی دارد و گاهی هم که فرصت می‌کند، تجربه‌های خود از ارتباط با دوستان و اطرافیانش را در قالب دیالوگ می‌نویسد و قصد دارد در فرصتی مناسب

آنها را به یک نمایشنامه که از زندگی خودش هم برگرفته است، تبدیل کند.

پدر خانواده هم در سوی دیگری از خانه مشغول تعمیر رادیویی قدیمی است که چند روز پیش در انباری نگاهش را دزدید. این رادیو خاطرات سال‌های کودکی او را برایش تداعی می‌کند؛ زمانی که گوش دادن به صدای قصه‌گو، تنها سرگرمی دوران کودکی‌اش بود. خورشید فرزند کوچک خانواده سنایی نیز داشت اتاقش را مرتب می‌کرد و قفسه‌های خاک گرفته کتاب را که از دست او کمی دلگیر بودند، می‌تکاند. ماه‌ها بود که کتاب‌ها خاک می‌خوردند و خبری از ورق زدنشان نبود. خورشید دیگر حتی به «شازده کوچولو» هم که بهترین نقطه کتابخانه را به خود اختصاص داده بود، کاری نداشت. خورشید شانزده ساله غرق در اندیشه‌هایی بود که او را از دنیای



واقعی به جهان مجازی سوق می‌داد. او بیشتر قواعد زندگی و واقعیت‌های نوجوانی‌اش را با مفاهیمی تعریف می‌کرد که در شبکه‌های اجتماعی و مناسبات میان اعضای آن جا افتاده بود. در دنیای ذهنی او، خبری از کشف و جستجوهای خلاقانه، شادابی و نشاط و لذت بردن از اتفاقات ساده و خوشحالی‌های بی‌بهانه نبود. او عادت کرده بود همه چیز را آماده دریافت کند؛ حتی علم و دانش را. خورشید همدمی را برای قسمت کردن تنهایی‌هایش نمی‌دید. در باور او پدر و مادرها نسلی هستند سرشار از تجربه‌هایی که با زندگی امروزی منطبق نمی‌شود. ثمین دختر بیست و هفت ساله خانواده سنایی و خواهر خورشید هم با وجود تلاش‌های بسیار نتوانسته بود پلی شود برای پیوند خورشید با نسلی که به آن اعتقاد چندانی نداشت. زندگی آنها به دلیل برداشته‌های متفاوت هر کدام از زندگی و عادت‌های رفتاری‌شان با تنش‌های زیادی روبه‌رو بود. ثمین روبه‌روی تلویزیون نشسته بود. کمتر پیش می‌آمد همه اعضای خانواده این ساعت از روز دور هم جمع باشند. او برنامه سینمای خانواده را تماشا می‌کرد، اما حواسش پرت بود. پلاتوی پایانی مجری و خداحافظی او با بینندگان. اعلام برنامه‌های فردا و فکر کردن به آینده‌ای که معلوم نیست به کدام مقصد می‌رود. صدای تلویزیون در افکار ثمین ارتعاش می‌یافت.

نزدیک شدن به ایام نوروز همواره بهانه‌ای برای شروع دوباره لیختن و تلاش به منظور تحول است. در این میان رسانه ملی به رسم هر ساله، برای ساخت مجموعه‌های طنز تلاش می‌کند در لیختن مخاطب سهیم شود.

ساخت سریال طنز مثل راه رفتن روی لبه تیغ است. کافی است اندکی بیان طنز با لغزش روبه‌رو شود تا چارچوب اصلی آن به هم بریزد. در این مسیر، کارگردان آثار طنز در تلویزیون، گاه در تداوم آنچه در روایت خود ترسیم کرده‌اند با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که باعث می‌شود اثرشان با وجود برخوردار از یک شروع کوبنده و اثرگذار، در میانه راه از چارچوب اصلی خود خارج و به هجو نزدیک شود.

هادی درباره نپرداختن به ژانرهای مختلف طنز مثل فانتری می‌گوید: این نوع کارها باید به کارگردانان با تجربه در این ژانر مثل ابوالحسن داوودی و رامبد جوان سپرده شود تا نتیجه به دست آمده، قابل قبول باشد. البته باید به این نکته توجه کرد که طراحی صحنه، لباس و دکور اهمیت دارد و مستلزم هزینه است.

وی با اشاره به علت کاهش طنزهای خوب و موفق تلویزیونی در سال‌های اخیر، خاطر نشان می‌کند: این به بی‌حوصلگی جامعه و هنرمندان بازمی‌گردد و گاه تهیه‌کنندگان به دلیل مسائل متعدد مالی، حاضر به همکاری در تولید کارهای طنز نیستند و در شروع کار بی‌انگیزه نشان می‌دهند. وقتی می‌خواهیم کاری انجام دهیم، اول از همه سوال می‌کنند اسپانسر دارد؛ بنابراین ما باید خودمان به

سریال «خوب، بد، زشت» به شبکه وقت داشتیم و به هر حال باید در همین مدت زمانی میان قسمت‌ها، سکانس‌ها و بازی بازیگران توازن ایجاد می‌کردم. بنابراین مجبور بودم براساس استاندارد ۶۰ درصدی پیش بروم تا کار با کیفیتی داشته باشیم.

دشواری‌های خندانن مخاطب ایرانی

علیرضا اخلاقی منتقد، فیلمنامه‌نویس و کارگردان تلویزیون در این زمینه می‌گوید: ما برای هر کاری به پیشینه و نمادهای فرهنگی خودمان متکی هستیم و اگر بخواهیم به یک کار خوب نگاه کنیم، باید به گذشته طنز در ایران نگاه کنیم تا متوجه شویم پایه‌های طنز را قرار است روی چه چیزی استوار کنیم. در گذشته نمایش‌های

اخلاقی درباره علل روی آوردن دوباره کارگردانان به طنزهای آئیمی در تلویزیون عنوان می‌کند: ساخت طنزهای آئیمی، ساده‌تر از کارهای دنباله‌دار است، چون نیاز چندانی به قصه‌پردازی و رعایت اصول درام ندارد. به عبارت دیگر، شما در این نوع کار می‌توانید از اندیشه چند فیلمنامه‌نویس استفاده کنید و ۲۰ داستان کوتاه همراه با تنوع خلق کنید. این نوع طنز به دلیل ویژگی‌هایش بیشتر می‌تواند به سمت کلام گرایش پیدا کند و کار ساخت آن آسان‌تر است.

این منتقد با رد بی‌حوصله شدن مخاطب امروز برای پیگیری سریال‌های طنز می‌گوید: به نظر من مخاطب حوصله دارد، چرا که همچنان پیگیر سریال‌های ۲۰۰ قسمتی است. مسأله به سختی‌های کار طنز و این که اساسا پایه‌های طنز ما برچه اساسی استوار است باز می‌گردد.

فوت کوزه‌گری در طنز تلویزیونی

تولید برنامه‌های تلویزیونی جذاب در عرصه طنز با چه راهکارهایی عملی می‌شود؟



اهمیت شرایط و زمان تولید

منوچهر هادی، کارگردان سینما و تلویزیون که سریال طنز «خوب، بد، زشت» را برای نوروز ۹۳ آماده می‌کند، درباره استاندارد تولید کارهای طنز تلویزیونی می‌گوید: مهم‌ترین شاخصه در تمام سریال‌ها (اعم از مناسبتی و...) به فیلمنامه بازمی‌گردد. البته باید بگویم امکان ندارد فیلمنامه‌ای بنویسیم که محتوا نداشته باشد و موقعیت‌های طنز طبق قواعد و اصول در آن نباشد، اما شرایط در این میان تعیین کننده است. به عنوان نمونه آیا می‌توان از سریالی که قرار است برای عید آماده می‌شود، اما برای رمضان آماده‌اش می‌کنیم، انتظار یک محتوای یکدست داشت؟ او شناخت کارگردان از رسانه را در این زمینه مهم می‌داند و می‌گوید: باید بدانیم آن کار قرار است در تلویزیون پخش شود یا در سینما، چون مخاطب این دو رسانه متفاوت است. وقتی برای تلویزیون کار می‌کنیم باید به این نکته توجه کنیم که این قصه و این بخش از سریال قرار است قشر وسیع‌تری از جامعه را در بر بگیرد و باید صحبت‌های سنگین را ساده‌تر و مفهوم را به بهترین شکل ممکن منتقل کرد. هدف و پیام‌های یک سریال باید در چند قسمت بیان شود تا اگر مخاطب یک قسمت را از دست داد، کلیت سریال را از دست نداده باشد و بتواند روایت را دنبال کند.



فکر سرمایه‌گذار و بسیاری از مسائل حاشیه‌ای باشیم و این انرژی ما را می‌گیرد.

هادی در خصوص ممیزی‌ها و سوءتفاهم‌ها در عرصه طنز می‌گوید: فکر می‌کنم ممیزی‌های خوب و اصولی داریم، اما کم‌طاقتی برخی باعث ایجاد سد در راه تولید کار طنز می‌شود. امکان وام گرفتن از لهجه‌های مختلف در طنز وجود دارد. در واقع قصد طنز از استفاده از لهجه‌ها، تمسخر نیست بلکه این کار باعث تنوع و جذابیت کار می‌شود. وقتی خط کلی این سریال‌ها صحیح باشد، مسلماً هیچ احساس خاصی را بیدار نمی‌کند.

این کارگردان درباره خروج کارگردانان از مرزبندی‌هایی که برای خودشان تعیین کرده‌اند، خاطر نشان می‌کند: به نظر من این به ناآگاهی کارگردان‌ها برمی‌گردد که البته بخشی از این مسأله به شرایط، مسائل مالی و انگیزه‌ها هم مربوط است. کارگردانان ما به دلیل دغدغه‌های مالی می‌خواهند تنها کار کنند و گاه به برآیند کارهایشان توجهی ندارند. من دستیار کارگردانی بودم که صبح نمی‌دانست چه سکانسی را می‌خواهد بگیرد و برداشت کند! قصه کلی باید خوانده شود و کارگردان باید بداند آیا این قصه را درک می‌کند و این نوع کار به روحیات و مهارتش نزدیک است یا خیر.

سازنده سریال پرمخاطب «خداحافظ بچه» می‌گوید: بخش عمده‌ای از کار طنز به اعتماد مدیران به فیلمسازان



بازمی‌گردد. برخی مدیران به مسائلی که نباید گفته شود بیشتر از مسائلی که باید گفته شود، می‌پردازند. از تمام اینها مهم‌تر، مسأله زمان است و باید کارگردانان برای ساخت اثرشان مهلت داشته باشند تا کیفیت اثر افزایش یابد. با این دیدگاه من معتقدم از همین حالا باید برای نوروز ۹۴ سریال بسازیم تا کارگردان به اندازه کافی برای پردازش به ابعاد مختلف کار وقت داشته باشد. من دو ماه برای رساندن

سپاه‌بازی‌مان به صورت کلامی بود. مخاطب ما به شنیدن کلام طنز عادت دارد و به همین دلیل برای بیان طنز باید ارزش کلام را بشناسیم و بتوانیم به تلیق آن با قصه و درام برسیم. متأسفانه نمونه‌های سینمایی ما هم در این زمینه کم است و بعد از انقلاب تنها می‌توانیم فیلم «اجاره‌نشین‌ها» (داریوش مهرجویی) را به عنوان یک نمونه طنز خوب قلمداد کنیم که اصلاً تکرار نشد و اگر هم شد نتوانست به مرز یک اثر موفق نزدیک شود.

این فیلمنامه‌نویس با اشاره به این که بهتر است براساس داشته‌ها و با توجه به الگوهای خارجی، آنها را برای خودمان بومی‌سازی کنیم، می‌گوید: کار تلویزیونی به توجه خاص کارشناسان احتیاج دارد. توجهی که باید به صورت واقعی صورت گیرد. باید به برخی تجربیات گذشته خودمان در زمینه طنز نگاه داشته باشیم تا کاری با دیدگاه نو بسازیم. با توجه به این که کارهای طنز گذشته ما براساس کلام بوده است، نیازمند دیدگاه‌های نوینی هستیم تا بتوانیم بر اساس آنها، رویدادها را تصویری‌تر کنیم تا کارها ضمن جلب نظر مخاطب، ارزش فرهنگی خودشان را داشته باشند و به سمت هجو نروند و وارد فضایی شوند که به امروز ما نزدیک باشند.

او در پاسخ به این که چرا در برخی کارهای طنز تلویزیونی کارگردانان از قالب اولیه بیان طنز خود در میانه کار خارج می‌شوند، گفت: چند مسأله وجود دارد و آن این که اساسا انجام کار طنز سخت است و دوم این که خندانن مخاطب ایرانی هم دشوار است. سازنده یک کار طنز تلویزیونی سعی می‌کند کارش را به حدی برساند که خنده‌ای بر لب تماشاگر بنشیند و به همین دلیل سریال‌سازی طنز در تلویزیون به گونه‌ای است که عنصر خندانن مهم‌تر از سایر عناصر فرهنگی است. به همین دلیل معمولاً مجموعه‌های طنز ترکیبی موفق‌تر از سریال‌های نمایشی طنز هستند، چون به قصه‌پردازی چندانی احتیاج ندارند و مانند یک قصه کوتاه روایت می‌شوند. در سریال باید هم اصول درام را رعایت کنیم، هم مخاطب را بخندانیم و هم از مباحث فرهنگی فاصله بگیریم و این کار را دشوار می‌کند. افرادی که وارد ساخت طنز می‌شوند، ابتدا طرح خوبی دارند، اما اگر بخواهند یک مجموعه طولانی بسازند کارشان سخت می‌شود و بتدریج کار به جایی می‌رسد که خندانن مخاطب را نگه می‌دارند و بقیه چیزها را فراموش می‌کنند.

اخلاقی با اشاره به دلیل نپرداختن کارگردانان به ژانرهای مختلف طنز می‌گوید: وقتی می‌خواهیم سریال بسازیم، بازرسی و بازرینی دارد و در اینجا شرایط کار طنز به دلیل برخورد با طیف‌های مختلف، حساسیت بیشتری دارد. از زمان نوشتن خودسانسوری خود نویسنده همراه بررسی‌ها، تصویب‌ها و امکانات شرایط را دشوار تر می‌کند. سینما یا سریال فانتری با امکانات بیشتری احتیاج دارد و توقع مخاطب از آثار فانتری بالاتر از سطح معمول است و به همین علت، فانتری ما مخاطب را راضی نمی‌کند و نویسنده‌ها و کارگردانان ما فکر می‌کنند قدرت همسویی با این نوع طنز را ندارند و کمتر به دنبال آن می‌روند.

وی درباره علت خودسانسوری کارگردانان در طنز می‌گوید: به دلیل بودجه محدود، کارگردانان ترجیح می‌دهند دست به عصا حرکت کنند، اما این دست به عصا حرکت کردن، از آن طرف بام افتادن است و گاهی کار نکردن بهتر از این گونه وارد شدن به عرصه است. مراحل ساخت و نظارت پخش و اعتراض‌ها نسبت به طنزهای برخوردارنده از جمله عوامل تأثیرگذار است و این به اصل کار لطمه می‌زند، چون ما در طنز باید وارد وادی‌های خطرپذیرتر شویم. به دلیل مسائل اقتصادی، نظارتی و عادت فیلمسازان روحیه برای خطرپذیری وجود ندارد.

ما در لایه‌های طنز باید جدی‌ترین مسائل را کمی گزنده بیان کنیم و کار هر کارگردانی نیست؛ حتی در تاریخ ادبیات هم بسیار کمتر می‌توان روی کارهای کمدی تمرکز کرد. سلیقه فرهنگی مخاطب ما هم باید بتدریج رشد یابد چون در حال حاضر طنزی وجود ندارد که بخواهد همه را به طور یکنواخت و یکباره راضی کند. برای تجربه کردن احتیاج به شناخت و برنامه‌ریزی داریم تا برای طنز خودمان برنامه‌ریزی و هدفگذاری کنیم تا به جایگاهی که می‌خواهیم برسیم.

وی درباره چگونگی از بین رفتن آستانه تحمل در طنز تصریح می‌کند: آستانه تحمل در طنز به درک ما از زندگی باز می‌گردد و همه به طور یکسان به یک مسأله واکنش نشان نمی‌دهند. ما همیشه در لاف‌ها صحبت کرده‌ایم و شاید به همین دلیل باشد که مردم ما به مسائلی که در قالب طنز بیان می‌شود، حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.

اخلاقی با اشاره به راهکارهای موجود برای تولید آثار جذاب در عرصه طنز تلویزیونی یادآوری می‌کند: اگر بخواهیم در زمینه طنز پیشرفت کنیم، باید به آثار روزآمد

و شاخص طنز به عنوان الگو نگاه کنیم. این به معنای کپی برداری نیست بلکه باید اصول کارشان را اخذ و بر مبنای آن براساس فرهنگ و مخاطب خودمان برنامه ریزی کنیم و این برنامه ریزی را باید به گونه ای پیش ببریم که ظرفیت مخاطب را هم بالا ببریم. مهم ترین مسأله این است که باید ظرفیت ناظران و مسئولان تلویزیونی هم برای طنز بالا برود و این قالب هنری را بیشتر از پیش بشناسند. عرصه ای که بسیار جدی و در عین اثرگذاری، شیرین است. اگر مسئولان و برنامه ریزان طنز را جدی بگیرند اولین گام برداشته می شود و فیلمساز هم می تواند این قالب هنری را جدی بگیرد. از یاد نبریم تلخ ترین مسائل را می توان با بیان طنز به شیوه ای تاثیر گذار بیان کرد.

چهره های ناکارآمد به طنز لطمه می زند

اما بهنوش بختیاری، بازیگر عرصه طنز تلویزیونی درباره مولفه های لازم برای تولید و ارائه یک کار طنز خوب در تلویزیون می گوید: برای این که یک طنز نشاط آور و جذاب باشد، رهایی مهم ترین عنصر برای یک بازیگر یا کارگردان است و این تنها در صورتی امکان پذیر است که مرزها مشخص و تعدیل شوند. او می گوید: استاندارد تولید طنز تلویزیونی مثل فوت کوزه گری یا آشپزی است و چیزی باید در شما وجود داشته باشد که مختص خودتان باشد تا بتوانید آن را پیاده کنید. هر فردی این مهارت یا جوهره وجودی را ندارد، اما برخی مسائل (از جمله مشکلات مالی) عاملی شده تا افرادی که مهارتی در این زمینه ندارند، خودشان را در این عرصه محک بزنند. شاید این به علت نگاه مقطعی ما باشد و این که برنامه ای برای آینده نداریم. رویکردی که موجب هرج و مرج در امور مختلف شده است.

او با اشاره به این که گاه از یک بازیگر طنز می توان بازی جدی گرفت، متذکر می شود: در دنیا بزرگ ترین بازیگران جدی، طنز بازی می کنند یا بالعکس و هنرنمایی آنها ما را تحت تاثیر قرار می دهد. اینها نشانه توانایی کارگردانان برای نمودار کردن استعداد بازیگران در جهات مختلف است.



اتفاقاً من به رغم آن چیزی که به نظر می آید، برای طنز ساخته نشده ام و آرزو دارم دیگران متوجه درونم باشند. کارگردانان ما کارها را نمی بینند و بازیگران را نمی شناسند. دستیاران شان رفاقتی عمل می کنند و انتخابها براساس توانایی های بازیگران نیست. شاید استعداد من به عنوان کسی که کار تئاتر انجام داده ام، بیشتر باشد اما بویژه در سینما، بیشتر به فروش فیلمها اهمیت داده می شود.

بازیگر سریال «زندگی به شرط خنده»، با انتقاد از ورود چهره های ناکارآمد به عرصه طنز تلویزیونی می گوید: برخی وارد این عرصه می شوند که تنها کاری انجام داده باشند و هیچ نوع آگاهی، شناخت و جهان بینی خاصی در این عرصه ندارند و فقط می خواهند نامی از آنها برده شود. از بین این افراد، تعداد کسانی که در طنز شان موفق بوده اند، انگشت شمار است.

این بازیگر با اشاره به لزوم پرداختن به فانتزی در طنز تلویزیونی می گوید: ایرانیان ذهن فانتزی کمتری دارند. فانتزی از خلاقیت و راحتی روح و نداشتن گرفتاری های روزمره می آید. این روزها هنرمندی که تنها دغدغه اش هنرش باشد، نداریم. درگیری زندگی آنقدر زیاد شده که باید

مجبور می شوند به سوژه های محدود و دم دستی بسنده کنند. مثلاً قرار بود در یک کار طنز در صحنه ای وارد ماشین زمان شویم و به آینده سفر کنیم. از خواندن فیلمنامه لذت بردیم، اما در نهایت نه گریه ها و نه صحنه در حد انتظارمان نبود. ماشین زمان ما هم به جگوار تبدیل شد و به جای آینده، به کوه های کن و سولقان رسیدیم!

بختیاری ادامه می دهد: به دلیل محدودیتها و کمبودهای مختلفی که وجود دارد، در عرصه طنز تلویزیونی تا حدی امکان پیشروی وجود دارد و بیش از آن، به تکرار و لودگی می رسیم. گاه با این که می دانم کاری که در آن بازی می کنم، طنز خوبی نخواهد بود، مجبورم در آن بازی کنم. همه ما و مردم می دانیم افرادی که این کار را انجام می دهند تفکر و بینش درستی از طنز ندارند و به همین دلیل است که ما بیشتر به سمت طنز کلامی پیش رفته ایم.

بازیگر سریال های طنز «خانه به دوش» و «جایزه بزرگ» ادامه می دهد: من جزو بازیگرانی هستم که حاضرم ۱۰ ساعت زیر گریه بنشینم، اما کار متفاوتی از لحاظ گریه و بازی انجام دهم، اما فانتزی در ایران جایی ندارد یا اگر بوده ضعیف عمل کرده است. مخاطب باید آثار شیرین ببیند و البته نباید به هر فردی اجازه ساخت طنز داد و باید کسی بیاید و این مسئولیت را به عهده بگیرد که دانش و سواد مورد نظر را برای طنز داشته باشد. به عنوان نمونه در سینمای ایران، در مقطعی از زمان تصمیم گرفته شد از آنجا که طنز فروش خوبی داشت، عده ای کارگردان ناوارد و به دور از مهارت، وارد این عرصه شدند و این مسأله تکرار شد و کارهای پوچ و توخالی وارد میدان شد به طوری که خود ما هم مجبور شدیم در یکی دو کار بازی کنیم، چون شرایط مالی، اجازه رد پیشنهاد حضور در این کارها را نمی داد.

او می گوید: آنچه در کشورمان دست و پاگیر کارگردانان می شود، این است که ما اجازه شوخی یا بسیاری از مسائل و موضوعات را نداریم. به عبارتی، ما سخت ترین کار جهان را که ساخت سریال طنز است انجام می دهیم.

مدام با آنها دست و پنجه نرم کنیم. به عنوان نمونه من بازیگر وقتی ریالی بابت سریالی که بتازگی بازی کرده ام، دریافت نکرده ام، چگونه می توانم روی کار خود تمرکز کنم. بازیگر «شبه های برره» و «چارخونه» می گوید: اگر می بینیم مخاطب سریال های طنز تلویزیون کم شده، به این خاطر است که کارها جذاب نیستند. به عنوان بازیگر، باید شادی در چشم هایم برق بزند، اما این طور نیست. طنز تلویزیونی علاوه بر این باید به فانتزی نزدیک شود، به بودجه احتیاج دارد. بسیاری از شاخصه ها در طنز فانتزی، به گریه باز می گردد که وسایل آن کمتر در ایران وجود دارد و چون گروه های سازنده نمی توانند این کارها را انجام دهند،



پایین تر از بازار عبق یافت آید.
 بازار شهید چمرانی، رویروی پردیس کبان.
 سپاهان هپس مارت
 میدان محمد خیابان مولوی غربی
 بعد از بانک کارگشایی، مجتمع رضا.
 فروشگاه هایپر هپس مارت
 تلفن: ۰۵۵۸۸۷۱۳۳
 همراه: ۰۹۱۲۰۲۲۴۳۴۰۴
happymart.ir



گروهی اقساط بدون سود و کارمزد

مجموعه مبلمان منزل ...



کتاب ویژه

گذشته؛ چراغ راه آینده طنز تلویزیونی

محمد جلیوند

کلیدی در موفقیت کارهایش داشته است. حسین سهیلی زاده که این روزها در ساخت مجموعه‌های اجتماعی و جوان‌پسند فعال است، کار خود را با ساخت مجموعه طنز موفق افزونه‌خواه کوچک آغاز کرد که در آن تصویر زندگی کارمندی به نام اشتراختانی (با بازی سیروس گرجستانی) به عامل جذابیت بدل شد. مهدی مظلومی نیز یکی دیگر از چهره‌های پرکار طنزهای ۹۰ قسمتی است که برخی کارهایش مانند شهر قشنگ و کمر بندها را ببندیم، بهتر از بقیه کارهایش از کار درآمد و لحظات مفرح بسیاری را خود به همراه داشت. بخصوص شهر قشنگ که ترکیب عالی بازیگرانش نقشی مهم در این موفقیت داشت و در آن بده‌بستان‌های میان امیر جعفری و فتحعلی اویسی فوق‌العاده از کار درآمد. با این همه آب بستن به داستان‌هایی نه چندان پرمایه و قوی، به شهر قشنگ نیز آسیب زد و آن را به دام تکرار انداخت.

در دهه گذشته، سعید آقاخانی و سروش صحت که هر دوی آنها هم کارشان را با بازی در کمدی‌های نودشبی تلویزیونی آغاز کرده بودند، رو به کارگردانی آوردند و اتفاقاً آثار موفق‌تری را روانه آنتن کردند. زن بابا ساخته سعید آقاخانی و مجموعه‌های مسافران و ساختمان پزشکان ساخته سروش صحت از جمله این آثار بودند که هر کدام مولفه‌های خاص خود را داشتند و به نوعی امضای خالقانشان پای آنها به چشم می‌خورد. در این میان صحت موفق‌تر از آقاخانی عمل کرد و در سال‌های آغازین دهه ۹۰، با مجموعه پرمخاطب پژمان، مخاطبان بسیاری را پای ساخته خود نشان داد.

سیروس مقدم نیز که تا پنج سال پیش هیچ کار کمدی‌ای در کارنامه نداشت، پس از همکاری موفق با محسن تنابنده در مجموعه پیامک از دیار باقی به عنوان فیلمنامه‌نویس، به سمت گونه کمدی کشیده شد و کارهای بسیار موفق و پر بیننده‌ای را روانه آنتن کرد. برای مثال می‌توان از چار دیواری، چک برگشتی و در نهایت پایتخت یک و ۲ یاد کرد که این روزها سومین قسمت آن در مرحله تصویربرداری برای پخش در نوروز ۱۳۹۳ است.

مقدم با تکیه بر دوربینی سیال و شوخی‌های پشت سرهم سبک تازه‌ای راه انداخت که بسیار هم مورد توجه عامه مخاطبان قرار گرفت. قصه‌هایی ساده و باورپذیر که بخوبی پرورش پیدا می‌کردند و به شکل مطلوبی به تصویر کشیده می‌شدند. وجه اشتراک آثار کمدی مقدم، حضور بازیگران توانا و مسلط بر کمدی است که بویژه در پایتخت با حضور محسن تنابنده، احمد مهرانفر و علیرضا خمسه، نمود بیشتری داشته است.

شاید برای دستیابی به روش‌های تازه و متفاوت در تولید کارهای طنز ترکیبی و داستانی در تلویزیون بهتر باشد کارشناسان با مروری بر گذشته طنز تلویزیونی و ارزیابی سه دهه گذشته، راهکارهای مفیدی را برای ارائه کارهای روزآمد و موفق در این زمینه جستجو کنند. آنچه به موفقیت و ماندگاری کارهای طنز تلویزیونی کمک می‌کند دوری مجموعه‌های کمدی بویژه کارهای نوروزی از تکرار کلیشه‌های امتحان پس داده است. اگر می‌خواهیم طرحی نو دراندازیم و مخاطبان پر و پاقرص تلویزیونی را غافلگیر کنیم، باید به سراغ نقاط اوج کارهای طنز تلویزیونی برویم و ضمن توجه به دلایل موفقیت ساختاری این کارها، هیچ‌گاه از نظر مضمونی، نسبت به روزآمدی کارها غافل نشویم.

کاری که بعدها مدیری در هیچ‌یک از آثار خود موفق به تکرار آن نشد که مجموعه قهوه تلخ مصداق بارز این امر به حساب می‌آید.

سال‌های پایانی دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ مجموعه‌های طنز نود شبی بسیار مورد توجه بودند به گونه‌ای که گاه دو یا سه شبکه مبادرت به پخش این گونه آثار می‌کردند. سری کارهای مهدی مظلومی و مهران غفوریان از مهم‌ترین این آثار به حساب می‌آید. با این حال هیچ‌یک از مجموعه‌های ذکر شده نتوانست موفقیت پاورچین را تکرار و مخاطبان بیشتری برای خویش دست و پا کند. زیر آسمان شهر به کارگردانی مهران غفوریان یکی از طنزهای موفق شبانه این سال‌هاست که تنها در بخش نخست خود به واسطه متن‌های خوبش در سطح کیفی نسبتاً مطلوبی قرار می‌گرفت. جنس کمدی زیر آسمان شهر از جنس کمدی‌های متکی بر کلام و تضاد شخصیت‌ها بود که در برخی لحظات بخوبی به بار می‌نشست. از میان شخصیت‌های این مجموعه، خشایار مستوفی با بازی حمید لولایی و بهروز پیرپیکاجکی بهتر از بقیه از کار درآمدند و اولی برای مدتی کوتاه محبوب‌ترین شخصیت تلویزیونی سال لقب گرفت. با این حال تولید زیر آسمان شهر ۲ که به لحاظ فیلمنامه دچار مشکلات بسیار بود، یکی از اشتباهات بزرگ تولیدکنندگان مجموعه‌های نود شبی کمدی تلویزیون بود که در نهایت به ریزش شدید مخاطب منجر شد.

رضا عطاران یکی دیگر از چهره‌های موفق این عرصه است که ریشه حیات هنری‌اش به همکاری با مهران مدیری در دهه ۷۰ بازمی‌گردد. او در دهه ۷۰ و ۸۰ با سبب خنده، مجید دلبندم، قطار ابدی (مشترک با بهروز بقایی) و کوچه اقاچیا کار خود را به عنوان کارگردان به اثبات رساند. اغلب کارهای عطاران در زمینه طنز داستانی با موفقیت روبه‌رو شدند که بخش عمده‌ای از این موفقیت، به شخصیت‌های واقعی و ملموس آن کارها و نیز فضاهای باورپذیرشان برمی‌گردد. از خانه به دوش و ترش و شیرین گرفته تا بزنگاه، دارای یک ویژگی مشترک بودند و رگه‌هایی از یک کمدی ناب در آنها به چشم می‌خورد. در واقع عطاران با گرت برداری از آدم‌های موجود در اجتماع و افزودن مقداری اغراق به آنها، شخصیت‌های ملموسی را خلق می‌کرد که براحتی قادر به ارتباط با مخاطب بودند و مخاطب را به همذات‌پنداری با آنان وامی‌داشت. در این بین نباید از بازی خوب عطاران و هنر بازی گرفتارش از دیگران نیز غافل شد که نقشی

داستانی طنز نیز در این دهه رونق بیشتری گرفت که از بین موفق‌ترین کارهای می‌توان به مجموعه‌های دیدنی همسران و خانه سبز (زنه‌یاد مسعود رسام و بیژن بیرنگ) و کاکتوس (محمد رضا هنرمند) اشاره کرد که مخاطبان بی‌شماری برای خود دست و پا کردند. همچنین کارهای مرضیه برومند از بین کارهای شاخصی بود که طنز اجتماعی به سبک و سیاق این کارگردان را به تصویر می‌کشید. آرایشگاه زیبا، خودروی تهران ۱۱ و در سال‌های بعد، هتل، ورثه آقای نیکبخت، کارآگاه شمسی و دستیارش مادام از جمله این کارهای موفق بودند.

در نیمه دهه ۷۰ مهران مدیری به عنوان یکی از اعضای اصلی و کلیدی به جامانده از ساعت خوش همراه با عده‌ای از جوان‌های بازیگر تازه کار، طنزهای ۹۰ قسمتی شبانه را بنیان گذاشت که در سال‌های بعد نیز بشدت مورد استفاده شبکه‌های مختلف قرار گرفت. در آن مقطع مدیری با بهره‌گیری از جوان‌هایی همچون سروش صحت، لاله صبوری، رامین ناصر نصیر، عارف لرستانی و...، به طنزهای آیتمی سروش شکل جذاب‌تری بخشید و متن‌های قوی‌تری تدارک دید که خلاقیت فوق‌العاده‌ای در آن موج می‌زد. خود مدیری بدون تردید ستاره اصلی برنامه‌های شبانه تلویزیونی بود که از زبان بدن به بهترین شکل برای ارتباط با مخاطب بهره می‌گرفت و دیوار میان خود و مخاطب را به مرور از میان برداشت. پلاک ۱۴، نود شب و... از جمله این کارها بود که در سال‌های انتهایی دهه ۱۳۷۰ با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شده و مدیری را در سال‌های بعد به سوی مجموعه‌های شبانه جذاب‌تری مانند شب‌های برره، پاورچین و... سوق داد. کارهای ذکر شده به لحاظ بودجه وضع بهتری داشته و جذب آگهی‌های بازرگانی فراوان هم دست مدیری را برای ارائه کارهای بهتر باز می‌گذاشت. اوج کار وی که بی‌تردید تا امروز هم تکرار نشده، در پاورچین رخ داد: مجموعه‌ای با متن‌های فوق‌العاده که پیمان قاسم‌خانی به عنوان سرپرست نویسندگان نقشی کلیدی در رقم خوردن موفقیت آن داشت. مدیری در شب‌های برره با خلق منطقه‌ای خیالی، تخیلات خود و نویسندگانش را محدود نکرده و با بهره‌گیری از پخش همزمان با ضبط، ضعف‌های ریز و درشت کارش را برطرف کرد. در این میان شخصیت‌پردازی مخصوص در ارتباط با فرهاد برره و داوود نقشی کلیدی در موفقیت پاورچین داشته و بازی خوب گروه بازیگرانش نیز آن را کامل کرد.

تولید و پخش مجموعه‌های طنز در سیمای جمهوری اسلامی ایران همواره توانسته مخاطبانی میلیونی جذب کند. در دهه ۶۰ برنامه‌های مختلف طنز در دو شبکه تلویزیونی کشور روی آنتن می‌رفت که بیشتر آنها محصول تلاش گروه‌های رادیویی برنامه‌ساز بود. گروه نمایشی جنگ هفته از موفق‌ترین گروه‌های نمایشی بود که حضور محمد اوزی و صادق عبدالهی و بازیگرانی چون مهدی بهنام و تورج نصر عصر جمعاً با بخش‌هایی چون هشدارهای پلیس، آقای شهروندی و آقای گرفتار مخاطبان را سرگرم می‌کردند. این کار را گروه طنز اقتصادی تلویزیون با محوریت زنده‌یاد احمد مندوب هاشمی و با هنرنمایی محمد شیرینی و عزت‌الله رضانی‌فر و دیگران (در برنامه سیمای اقتصاد ما) نیز به عهده داشتند. پس از پایان جنگ تحمیلی و نیاز شبکه‌های تلویزیونی به آثاری مفرح، مجموعه‌های کمدی رونق بیشتری گرفتند که البته گاه به لحاظ کیفی چنگی به دل نمی‌زدند و در مواردی سطحی و پیش‌پا افتاده جلوه می‌کردند. برای مثال می‌توان به مجموعه «مهمان» ساخته خسرو ملکان اشاره کرد که نوروز ۱۳۶۹ از تلویزیون پخش شد و با وجود ضعف‌های بسیار، به دلیل سادگی و بازی بازیگران محبوب آن سال‌های تلویزیون، مورد توجه مخاطب عام قرار گرفت.

این روند سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ نیز ادامه داشت و جنگ‌های کمیک تلویزیونی مانند جنگ هفته، سیمای هفته، جدی نگیرید و... نیز به آنها اضافه شد. جنگ‌های فوق به لحاظ شکل و محتوا چندان تفاوتی با کارهای رادیویی طنز همچون صبح جمعه با شما نداشت و تنها طیف محدودی از مخاطبان علاقه‌مند به رادیو را به سمت خویش کشانده بود.

مدیران شبکه‌های تلویزیونی برای پر کردن این خلأ به تجربه‌هایی در این زمینه دست زدند که در نهایت پس از پخش مجموعه‌های ترکیبی نوروزی موفق اوایل دهه ۷۰، پرواز ۵۷ و جنگ ۲۹ که محصول نوآوری‌های داریوش کاردان و گروهش بود، تولید و پخش مجموعه ساعت خوش و پس از آن، سال خوش، با توجه به ساختار جوان‌پسندشان توانست بسرعت جای خود را میان این قشر باز کند و جریان ساز شود. کاری متکی بر طنزهای آیتمی که هر یک از آنها چند دقیقه‌ای را به خود اختصاص می‌داد و نوآوری‌های بسیار در آن به چشم می‌خورد. ساعت خوش علاوه بر متن، از اجرایی قوی نیز سود می‌جست. برای مثال می‌توان به بخش دیدنی مسابقه هفته با اجرای فوق‌العاده مهران مدیری اشاره کرد که پس از گذشت نزدیک به دو دهه از پخش هنوز در یادها مانده است. گروه خلاق نویسندگان ساعت خوش شامل مهران مدیری، ارژنگ امیرفضلی، زنده‌یاد داوود اسدی و... که اغلب خود به بازی جلوی دوربین نیز مشغول بودند، مهم‌ترین عامل موفقیت برنامه بود که به مرور به حاشیه رفتند و از پخش آن جلوگیری شد. پس از پایان نه‌چندان خوش ساعت خوش تا مدتی خبری از کارهای کمدی تلویزیونی نبود و بار دیگر سرو کله طنزهای رادیویی پیدا شد که البته مجموعه طنز سه و نیم با حضور مجدد داریوش کاردان توانست مخاطبانی برای خود دست‌وپا کند.

در کنار کارهای ترکیبی طنز، ساخت سریال‌های



گفت و گو با رسول نجفیان، بازیگر تلویزیون در «قالب خاطره»

گزیده کاری را در بازیگری ترجیح می‌دهم

آزاده صالحی

رسول نجفیان یکی از بازیگران عرصه تئاتر، تلویزیون و سینماست. او که دارای مدرک کارشناسی روان‌شناسی است، سال ۱۳۴۸ به شکل رسمی وارد عرصه هنر شد و کار خود را با حضور در تئاتر شروع کرد. رعنا، گرگ‌ها، خودرو تهران ۸۱، کاکتوس، روشن تر از خاموشی، داستان یک شهر و آشیزبانی از جمله سریال‌های تلویزیونی است که نجفیان تاکنون در آنها ایفای نقش کرده است. او اکنون به‌عنوان بازیگر و مشاور داوود میرباقری در سریال «شاه‌گوش» که برای شبکه خانگی تولید می‌شود، فعالیت دارد. با او درباره کار و خاطراتش در تلویزیون به گفت‌وگو نشستیم.

اگر قرار باشد به‌عنوان بازیگری که نمی‌از فعالیت حرفه‌ای خود را در تلویزیون صرف کرده‌اید، از سریال یا فیلم خاطره‌انگیزی یاد کنید، به کدام کار خود اشاره می‌کنید؟

من در دهه ۷۰ یک فیلم ۱۶ میلی‌متری به نام «مثل یک لبخند» ساختم که زنده یاد حسین پناهی و مریم کاظمی از بازیگران آن بودند. این فیلم به دلایل بسیار، در ردیف پر خاطره‌ترین کارهایی است که در تلویزیون انجام داده‌ام که اتفاقاً در آن زمان هم بعد از پخش با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد. شاید به علت تمی بود که فیلم داشت. این کار در برنامه دلنشین و در عین حال ملموسی داشت و می‌توانست بخوبی با بینندگان آن زمان ارتباط برقرار کند. در این فیلم به روایت زندگی زن و مرد روستایی پرداخته بودم. شخصیت مرد این فیلم، آدمی عصبی و تندخو بود که هیچ‌گاه با همسر خود درست رفتار نمی‌کرد، اما وقتی زن بیمار می‌شود، مرد گاویش را می‌فروشد و برای ادامه مداوای همسرش به تهران می‌آید. در تهران با وجود پیش‌آمدن مسائل مختلف، مرد به فکر فرو می‌رود و متوجه

می‌شود چقدر همسرش را دوست داشته است. **مهم‌ترین مولفه‌ای که باعث شده این فیلم در ذهن شما بماند، چیست؟**

همان‌طور که اشاره کردم، زنده یاد حسین پناهی یکی از بازیگران این فیلم بود که دوستی و هم‌نشینی با او در این فیلم برای من جذاب بود و از رفاقت با پناهی خاطرات زیادی دارم. نکته جالب این که بخش‌هایی از فیلم در بیمارستان بوعلی تهران می‌گذرد و یادم هست همان موقع، مرحوم پناهی می‌گفت: هیچ‌کس نمی‌داند یک روز او را در کدام سردخانه می‌گذارند! ۱۵ سال بعد از ساخت آن فیلم، مادر من در همان سردخانه قرار داده شد. به هر حال، خاطرات از آن فیلم زیاد است.

اما شما در سریال‌های ماندگار زیادی حضور داشتید که رعنا و در سال‌های بعد از آن، خودرو تهران ۱۱ در زمره این کارها بوده است.

حالا که به رعنا اشاره کردید باید بگویم این سریال نیز یکی از خاطره‌انگیزترین سریال‌هایی است که کار کرده‌ام و یادآوری خاطرات حضور در آن سریال برایم خوشایند است. بویژه این که همکاری با داوود میرباقری در مقام کارگردان همواره برای من ارزشمند بوده و هست. البته آن زمان، سریال گرگ‌ها هم به کارگردانی میرباقری ساخته شد که در آن نیز حضور داشتم. در ماه‌های اخیر هم با بازی در سریال خانگی شاه‌گوش به‌عنوان مشاور در کنار او هستم و رفاقت و دوستی‌مان محکم‌تر از گذشته شده است. با این تفصیل، رعنا صرف‌نظر از تمام این موارد یک مولفه مهم داشت و به لحاظ موضوعی در زمان خود ساختار شکنی کرد. یعنی برای اولین بار در این سریال بود که دختری به زبان می‌آورد که نامزد خود را دوست ندارد.

وضع سریال‌های امروز را چطور می‌بینید؟
اگر بخواهم درباره خودم بگویم باید به این نکته اشاره



مخاطبی ببیند که برنامه‌های تلویزیون داخلی از ماهواره جذاب‌تر است، به تماشای آن سریال‌ها نمی‌نشیند. ضمن این که کار خوب و جذاب تلویزیونی هیچ‌گاه بی‌مخاطب نمی‌ماند و بارها دیده‌ام سریال‌های خوب و جذاب که ساخته شده، توانسته است به رکورد تماشای سریال‌های ماهواره منجر شود.

به نظر شما سریال‌های امروزی در تبیین مسائل اجتماعی چقدر موفق بوده است؟

برخی کارگردانان می‌خواهند کارهای خود را با برداشت از سریال‌های غربی بسازند، در نتیجه اثری که تولید می‌کنند، خیلی نمی‌تواند کشتش‌های لازم را داشته باشد و به دل مردم هم نمی‌نشیند. حالا که صحبت به سریال‌سازی کشید، بد نیست به حاشیه‌هایی که بتازگی به سبب پخش سریال «سرزمین کهن» در جنوب کشور از سوی بختیاری‌ها ایجاد شده، اشاره کنم. در این گفت‌وگو جا دارد خطاب به آنها بگویم خود من از ایل و تبار بختیاری سمت مسجد سلیمان هستم و به معنی واقعی غیرت شما را تحسین می‌کنم، اما این را بدانید که قصد سازندگان این سریال به هیچ‌وجه توهین به شما نبوده و آنچه امروز شکل گرفته، سوءتفاهمی بیش نیست. گرچه وسواس و دقت شما تحسین برانگیز است، ولی کمال تبریزی و دیگر دست‌اندرکاران این سریال از جمله کسانی هستند که تعلق خاطر عمیقی به اقوام ایرانی دارند و آنها بخوبی می‌دانند این اقوام هستند که ایرانی واحد و یکدست را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین به نظر من آنچه امروز رخ داده، سوءتفاهمی بیش نیست و اطمینان داشته باشید نظر کارگردان این سریال به هیچ‌وجه توهین به اقوام نبوده است.

برای سال جدید چه برنامه‌ای در دست دارید؟
در تدارک آماده‌سازی برنامه‌ای به نام «شادی‌های بهار و آیین‌های ماندگار» هستم و همان‌طور که از نامش پیداست با محور پرداختن به سنت‌های ایرانیان مانند خانه تکانی، سبزه سبز کردن و... در ایام بهار ساخته می‌شود.

«فیروزکوه و ورامین»
نقد
فروش فوق‌العاده زمین با سند
با کاربری کشاورزی و صنعتی و توریستی و مسکونی
امتیازات کامل - قیمت مناسب - فروش با معاوضه
۰۹۳۳۷۷۶۸۳۹۴ - ۰۹۱۰۱۵۳۷۷۱۵

شهرک مصطفی خمینی «مر تزی گرد»
قلل توجه از کانال و شرف کمنا، ۲۳۰۰ متر بنا
واحدهای مسکونی در متر ۵۰ تا ۷۲ متر
به صورت یکجا
فوری اکازیون فوری
۵۵۵۸۴۸۱۸ - ۰۹۱۲۲۸۶۵۰۷۰

فروش استثنایی چند قطعه زمین مسکونی
با مجوز ساخت در بهترین منطقه شهر جدید پردیس - به همراه تعدادی واحد ۵۸ تا ۲۲۰ متر
با وام ۲۵ میلیونی
و فروش آپارتمان‌های مسکن مهر فاز ۳ تا ۱۱
۸۸۹۵۱۳۱۶ - ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶

گروه مهندسی و مشاورین مسکن جگ
با ارسال یکی از گریدهای زیر از طریق پیامک به سامانه ۰۹۱۰۰۳۲۹۹۳ از اطلاعات و دسترسی سریع و آسان به آپارتمان یا واحد مسکونی در تهران بهره‌مند شوید
(۱ خرید ۲ فروش ۳ رهن ۴ اجاره)
مشارکت با بهترین آژانس مسکن در قلب تهران
www.HAKAMELAK.ir ۶۶۱۲۱۸۳۲

مجتمع لوکس فراز
اسلام شهر - چهاردانگه
فروش فوری واحدهای مسکونی به دلیل مسافرت
۴۶ و ۳۶ و ۹۸ متری - فول امکانات
به همراه وام بانکی
تماس با مالک: ۰۹۱۲۳۱۵۸۵۹۳

آگهی مفقودی
مدرک فراغ التحصیلی حسن داوودآبادی فرزند صدیقه به شماره شناسنامه ۵۹۸۴ صادره از ترک در مقطع کارشناسی رشته مدیریت صنایع صادره از واحد دانشگاهی تهران مرتگی با شماره ۱۷۳۴۴۱ و تاریخ ۷۶/۱۲/۱۷ مفقود گردیده. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به آدرس: تهران- خیابان آزادی - اسکندری شمالی - فرست شیرازی پتک ۱۳۶ صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۷۶۸ ارسال نمایند.

فروش فروشگاه و کارخانه
فروشگاه لوازم یدکی و لوازمات تومبیل ۲۵۰ متر، شامل ۲۲۷ متر تجاری، ۱۰۰ متر مسکونی، ۱۲۰ متر انبار تجاری دهانه ۱۰×۳۵ در حال فعالیت، شش خط تلفن، ۳۳ کنترت، سنگ فاب ۳۰ فیلتر، مبلغ نقدی ۹۵۰ میلیون تومان با فروش کلی با اجناس ۱۲۰۰ میلیارد تومان
کارخانه فوم سفیدی در حال کار، فول تجهیزات، ۹۰۰ متر خط کامل تولید فوم (دیگ بخار، اعداد، بلوک، اعداد، دستگاه CNC ۲ عدد، دستگاه آسیاب اعداد، برقی ۲ عدد، ۲ عدد، ۳ خط تلفن، آب، برقی، گاز صنعتی) آماده محضر و دادگی
آدرس فروشگاه: گرمسار، بلوار راه‌آهن، فروشگاه ملکی شماره ۲
آدرس کارخانه: گرمسار، بلوار ایرانشو
۰۲۳۲۴۲۰۴۳۰۱ - ۰۹۱۹۴۳۰۱۶۴۵

آگهی شناسایی پیمانکار
تعرفی مسکن کارکنان معاونت مهندسی در نظر دارد منظور احداث برج مسکونی ۲۴ طبقه واقع در منطقه ۲۲ تهران اقدام به شناسایی پیمانکاران و شرکت‌هایی که قابلیت ساخت قطعات بتنی را داشته و دارای خط تولید مکعبیزه و همچنین گریه ساختمانی می‌باشند و هم‌زمان قادر به اجرای بتن‌پسین، سقف دیوار، ساخت و نصب قطعات بتنی اسکلت می‌باشند، نماید. لذا شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند رزومه خود را جهت ارزیابی به نشانی ذیل ارسال نمایند. مهلت ارسال مدارک یک هفته پس از چاپ آگهی
محل تحویل مدارک: تهران - خیابان شهید بهشتی، بعد از چهارراه حلقه استانبول، جنب باشک تجاری، ساختمان کنسرترازی فتح المیر، طبقه همکف، معاونت مهندسی مسکن کارکنان معاونت مهندسی
تلفن: ۸۸۲۸۳۳۲۱ - ۰۲۱ - ۸۸۲۸۱۲۲۹ - دورنگار: ۰۲۱ - ۸۸۲۸۱۲۲۹

سایویس
ساز و سازنده که کار می‌کند
پارتنریشن و میلمان اداری و منزل
۶۶۷۳۹۷۲۴ - ۶۶۷۳۹۷۳۳ - ۰۹۳۶۶۶۶۰۵۳۶۷
www.savice.ir info@savice.ir

نستارود ۵ کیلومتر مانده به شمیران
۲ واحد ویلا طبقه‌ای ورودی مجزا
با کلیه امکانات، فوری فروشی
۰۲۶ - ۳۲۲۶۳۷۲۲
۰۹۳۷۰۷۹۵۱۷۷

جاده آمل به محمودآباد
زمین به مساحت ۲۲۰۹ متر در ۲ قسمت مجزا
با ۱۸/۵ متر بر هر ۲ قطعه کاملاً «تفکیک شده»
بفروش می‌رسد.
۰۹۳۷۴۲۲۳۱۹۱

سهروردی - بهار شیراز
تعدادی آپارتمان ۸۰ و ۹۰ متری نوساز
با متریار عالی، زیر قیمت منطقه
فول امکانات، سازنده به‌نام منطقه
فوری فروشی
۰۹۳۳۵۳۳۲۲۵۲



مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری، یکی از پرحاشیه‌ترین و جنجالی‌ترین برنامه‌های تلویزیونی در سال ۹۲ بود. این برنامه در دکوری با پس زمینه کوه البرز، آیاتی از قرآن مجید در بالای سر مهمانان و استودیویی با رنگ‌های قالب سفید و آبی روی آنتن رفت تا کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری با هم مناظره کنند. بعد هم نام مناظره روی این دکور ماند و تلویزیون تصمیم گرفت برنامه‌ای را با مهمانان متفاوت و فضای فکری آنها روی آنتن ببرد؛ برنامه‌ای که پرحاشیه است و در هر قسمت، جنجال و هیجان را روی آنتن می‌برد. «مناظره» جمعه‌ها از ساعت ۱۶ و ۲۰ دقیقه تا ۱۹ با اجرای مرتضی حیدری از شبکه یک سیما پخش می‌شود و در هر برنامه سراغ یک موضوع ریشه‌ای می‌رود و با دعوت از کارشناسان مختلف و مسئولان سعی می‌کند به آن موضوع بپردازد و در نهایت مخاطبان با در نظر گرفتن همه آنچه روی آنتن گفته شده یا نشده به قضاوت می‌پردازند.

استودیو شماره ۱۱ ساختمان تولید در جام‌جم میزبان هفتگی مناظره‌کنندگان است و فضای آن با برنامه «نود» تقسیم شده است، به طوری که نیمی از استودیو به رنگ آبی و سفید مناظره و نیم دیگر به رنگ زرد و نارنجی نود است. این دو دکور با یک دیوار سفید و پرده آبی رنگ از هم جدا می‌شوند.

ساعت ۱۶ و ۱۶ دقیقه آخرین جمعه بهمن ماه است و همه چیز برای اجرای یک مناظره بدون نقص آماده است. گزارش‌های تهیه شده تست می‌شود و در اتاق رژی هم منشی صحنه، اسلایدهای مربوط به معرفی مهمانان را چک می‌کند، اما هیچ کس هنوز نمی‌داند قرار است یک اتفاق غیرمنتظره در این قسمت مناظره اتفاق بیفتد.

استودیو آماده، تلفن‌های همراه خاموش

هنوز ساعت ۱۶ و ۲۰ دقیقه نشده که تماشاچیان برنامه از راه می‌رسند. مهمانان هم کم‌کم وارد می‌شوند.

در این فاصله در استودیو برنامه گشت می‌زنم، دکور، کوچک‌تر از چیزی است که در تلویزیون دیده می‌شود. مسئول نور، نور استودیو را چک می‌کند و سعید نبی، تهیه‌کننده مناظره با مهمانان صحبتی می‌کند و از بقیه حاضران که در جایگاه تماشاچی نشسته‌اند می‌خواهد تلفن همراه خود را خاموش کنند، البته پیشتر هم یکی از دستیاران صحنه به تماشاچیان تذکر داده بود تلفن همراه را خاموش کنند نه این که در حالت بی صدا بگذارند. چند دقیقه‌ای بیشتر به آنتن باقی نمانده و محمد رسولی، مدیر صحنه چند بار تکرار می‌کند: استودیو آماده، موبایل‌ها خاموش. با این حال، سعید نبی هنوز در صحنه است و مهمانان در جایگاه خود مستقر نشده‌اند.

در آخرین لحظات، نورپرداز یکی از عوامل خود را فرامی‌خواند تا یکی از ده‌ها پروژکتور بالای صحنه را تنظیم کند که این کار با یک میله بلند فلزی و البته بستنی انجام می‌شود.

حالا مرتضی حیدری هم وارد صحنه شده و تجهیزات

صدا و میکروفن به او وصل می‌شود. بعد از لحظاتی، صحنه خالی و خلوت می‌شود. مرتضی حیدری روبه‌روی دوربین پنجم می‌ایستد. مدیر صحنه، روی آنتن رفتن تیتراژ را اعلام می‌کند و گزارشی که از قبل چک شده بود، پخش می‌شود تا مشخص شود موضوع برنامه به اقتصاد سلامت و هزینه‌های بهداشت مربوط است.

مهمانان که هنوز بیرون از صحنه هستند، از طریق مانیتورهای استودیو، گزارش را دنبال می‌کنند. گزارش تمام می‌شود و آنها به دعوت مرتضی حیدری و مدیر صحنه به جایگاه‌های خود می‌آیند.

ساعت ۱۶ و ۴۱ دقیقه و ۴۰ ثانیه است که مرتضی حیدری از طریق دوربین پنجم مناظره به بینندگان سلام می‌کند و به علت تاخیری که در شروع برنامه به وجود آمد، عذر می‌خواهد. او سپس اعلام می‌کند یک بخش مستند قرار است پخش شود که مدیر صحنه در تماس با اتاق رژی، زمان آن را هفت دقیقه اعلام می‌کند.

آنتن می‌رود

آنتن که از استودیو می‌رود، سعید نبی و عکاس برنامه وارد صحنه می‌شوند. تهیه‌کننده با مهمانان برنامه‌اش صحبت کرده و توجه آنها را به مستندی که در مانیتور پشت سر مرتضی حیدری در حال پخش است جلب می‌کند و خارج می‌شود. ۳۰ ثانیه بعد، آنتن به استودیو برمی‌گردد و مجری بار دیگر سوال نظرسنجی را تکرار می‌کند.

در این فاصله به اتاق رژی می‌روم که اعضای آن فعال هستند. پنج مانیتور، تصویر خروجی پنج دوربین را نشان می‌دهند؛ مانیتورهایی برای زبیرنویس برنامه، تعداد و آمار پیامک‌ها و آرم برنامه مناظره. کارگردان هر چند لحظه یکبار دستور سوئیچ به تصویر دوربین‌های مختلف را می‌دهد و با دو مانیتور آخر هم تصویر مانیتور پشت سر مرتضی حیدری را تنظیم می‌کند. البته یک مانیتور دیگر هم در اتاق رژی هست که اسلایدهای مربوط به معرفی هر کدام از مهمان‌ها از طریق آن پخش می‌شود.

بیش از ۴۵ هزار پیامک به برنامه رسیده که این آمار همچنان در حال اضافه شدن است و تقریباً ثانیه به ثانیه تغییر می‌کند.

در اتاق رژی زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که یک مهمان جدید هم قرار است اضافه شود و مهمانان این برنامه شش نفر می‌شوند. مهمان جدید، محمد قنادی است که چون میز و صندلی ندارد مجبور است تا پایان برنامه پشت تریبون بایستد. او از داخل جایگاه تماشاچیان وارد صحنه می‌شود و صحبت‌هایش را آغاز می‌کند. در همین زمان، مدیر صحنه با میکروفن خود از اتاق رژی و تدارکات می‌خواهد برای مهمان ششم که تازه وارد شده یک لیوان آب بیاورند.

در حین پخش یک گزارش دو دقیقه‌ای به داخل صحنه برمی‌گردم. هم‌زمان، یکی از عوامل لیوان آب مهمان سوم را به مدیر صحنه می‌رساند. او هم در فرصتی مناسب که در کادر دوربین نباشد وارد صحنه می‌شود و لیوان را جلوی تریبون می‌گذارد.

مناظره بعد از اضافه شدن مهمان جدید و شروع دور جدید صحبت‌ها جذاب‌تر می‌شود و مهمانان، مناظره را



گزارشی از پشت صحنه برنامه «مناظره» شبکه یک

مناظره‌ای که از

آنتن بگویند، ولی فایده ندارد و گفت‌وگویی که فقط تماشاچیان استودیو شاهد آن هستند همچنان ادامه دارد. خوشبختانه در دقایق بعدی سکوت در استودیو حاکم می‌شود و با پخش یک پلی بک سه دقیقه‌ای، مناظره ادامه می‌یابد.

بعد از اذان هم صحبت‌های مهمانان مناظره هیجان زیادی پیدا کرده و هر کس سعی می‌کند استدلال خود را به کرسی بنشاند. نبی برای رساندن پرسش‌های مخاطبان وارد استودیو می‌شود که یکی دو نفر از مهمانان از وی می‌خواهند به آنها هم اجازه صحبت کردن داده شود، اما نبی می‌گوید مدیریت صحنه به عهده مرتضی حیدری است و بسرعت استودیو را ترک می‌کند.

ساعت اتاق رژی هشت دقیقه به پایان برنامه را نشان می‌دهد. تا این لحظه، تعداد پیامک‌های رسیده ۱۱۴ هزار است. لحظات می‌گذرد که تلفن اتاق رژی زنگ می‌زند. از پخش شبکه هستند و زمان باقیمانده را می‌گویند: فقط ۴ دقیقه. دوباره زنگ می‌زند و این بار از اتاق رژی می‌خواهند برنامه را تمام کنند.

در لحظات باقیمانده، منشی صحنه زمان می‌گیرد تا هر مهمان بیش از اندازه صحبت نکند، مرتضی حیدری هم این زمان‌ها را بخوبی مدیریت می‌کند. آمار پیامک‌ها به درخواست نبی روی مانیتور می‌رود و درحالی که هنوز پیامک مخاطبان می‌رسد، آنتن از مناظره گرفته می‌شود. خسته نباشید در این لحظات زیاد تکرار می‌شود. داخل استودیو هم حاضران و مهمانان پراکنده می‌شوند و عوامل برای استراحتی کوتاه بعد از برنامه به بوفه می‌روند تا با یک لیوان چای، خستگی را از تنش بیرون کنند.

مناظره‌های ریاست جمهوری بهتر بود

پشت یکی از میزها با محمد رسولی، مدیر صحنه

داغ‌تر و پرهیجان‌تر دنبال می‌کنند، اما بحث به جای حساسی رسیده که آنتن زنده و مشکلات فنی، کار دست مناظره می‌دهد. ساعت ۱۷ و ۴۲ دقیقه است که مدیر صحنه به مانیتورهای صحنه نگاهی می‌اندازد و متوجه می‌شود چند ثانیه‌ای است آنتن از برنامه گرفته شده و تلویزیون در حال پخش یک نماهنگ آرشیوی است، اما مهمانان که نمی‌دانند برنامه قطع شده همچنان به صحبت خود ادامه می‌دهند. در این هنگام، رسولی وارد استودیو می‌شود و توضیح می‌دهد آنتن رفته است.

مناظره هنوز در استودیو داغ است، اما مشخص می‌شود صدا هم رفته است. بعد از چند ثانیه خبر می‌رسد یکی از فیوزهای اتاق رژی پریده و به همین دلیل کمی طول می‌کشد تا برنامه دوباره روی آنتن برود. بعد از حدود یک دقیقه مرتضی حیدری از مخاطبان عذرخواهی می‌کند که به خاطر قطعی برق، برنامه را از دست داده‌اند اما اعلام می‌شود آنتن هنوز نیامده است.

ساعت به ۱۷ و ۴۴ دقیقه رسیده که مشکل برق برطرف می‌شود. حیدری برای بار دوم از بینندگان عذرخواهی می‌کند و مناظره که تب و تاب آن به نسبت قبل خوابیده، تا اذان مغرب ادامه پیدا می‌کند.

همه شهادت بدهند

حالا ساعت کمی از ۱۸ گذشته که تهیه‌کننده با لبخند وارد استودیو می‌شود و از مهمانان می‌خواهد شهادت بدهند برنامه به دلیل مشکل فنی قطع شده است. سعید نبی هنوز در استودیوست که بین مصری و اولیایی منش بحثی چالشی ادامه پیدا می‌کند. طریقت منفرد هم وارد بحث می‌شود.

نبی یکی دو بار به آنها تذکر می‌دهد که اگر الان با هم بحث کنند دیگر چیزی باقی نمی‌ماند که روی



مورد خاص مناظره

میثم اعلائی

فرض کنید در حال تماشای یک مناظره جذاب تلویزیونی هستید و مهمانان بشدت با یکدیگر چالش دارند، اما این برنامه به صورت ناگهانی از روی آنتن می‌رود و تلویزیون به جای بحث هیجان‌انگیز مهمانان، گل و بلبل نشان می‌دهد. وقتی هم آنتن به داخل استودیو برمی‌گردد، همه چیز آرام شده و تا دوباره شدت بگیرد ممکن است برنامه تمام شود.

طبیعتاً در اولین مواجهه با چنین مسأله‌ای هر بیننده‌ای ممکن است فکر کند، این حادثه بعد اتفاق افتاده، تفکری که رسانه‌ها هم به آن پر و بال دادند؛ اما این واقعه، یک روی دیگر سکه هم دارد که به تجهیزات و موارد فنی مربوط است؛ چیزی که کمتر مخاطبی ممکن است در برخورد اولیه با یک اشکال تلویزیونی به آن فکر کند.

مناظره بیست و پنجم بهمن ماه هم که با موضوع هزینه‌های تمام شده سلامت روی آنتن رفت، با چنین اشکالی مواجه شد. مناظره که قرار بود تا اذان مغرب بدون وقفه ادامه پیدا کند در یکی از حساس‌ترین لحظات قطع شد و بینندگان را در بهت و تعجب گذاشت که برآستی چه اتفاقی افتاده است.

در چنین مواردی، رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان نمایندگان افکار عمومی نقش مهمی ایفا کنند. معمولاً رسانه‌های مختلف بخصوص آنها که آنلاین هستند زودتر از بقیه، شرح موقوف را منتشر می‌کنند و معمولاً هم منتظر شنیدن توضیحاتی از طرف دست‌اندرکاران برنامه نمی‌مانند. کسانی که با کارهای صوتی و تصویری آشنا هستند می‌دانند مشکلات فنی جزء همیشگی برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی بوده است، بویژه اگر این برنامه‌ها به صورت زنده روی آنتن بروند دیگر نمی‌توان جلوی این قبیل اتفاقات ناگوار را گرفت، اما خیلی از اوقات، واکنش رسانه‌ها به چنین اتفاقاتی که در دست هیچ کس نیست چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

واکنش برخی رسانه‌ها به قطع برنامه مناظره در روز بیست و پنجم بهمن نیز از همین دست بود. بلافاصله بعد از قطع مناظره، رسانه‌ها دست به کار شدند و گمانه‌زنی برای قطع عمدی مناظره را شروع کردند. هرچند مجری برنامه بعد از شروع مجدد برنامه به بینندگان توضیح داد که مشکلات فنی، آنتن را از مناظره گرفت و در روز بعد هم تهیه‌کننده برنامه در گفت‌وگو با خبرگزاری‌ها توضیح داد قطع شدن فیوز برق، موجب این اتفاق بوده اما باز هم برخی رسانه‌ها با تیترهایی دوپهلوی به سراغ این ماجرا رفتند تا شائبه سانسور در رسانه ملی را قوت بخشند.

چنین رویکردهایی به مسائلی که توضیح قابل قبولی دارند، از دو جهت به رسانه ضربه می‌زند. در وهله نخست، موجب بی‌اعتمادی مخاطب به رسانه ملی می‌شود و از سوی دیگر، ادامه پیدا کردن برخوردهای غیرحرفه‌ای، هویت یک رسانه را نیز زیر سوال می‌برد که چرا در برخورد با هر پدیده‌ای، نخستین احتمال موجود را برمی‌گزیند و به احتمالات دیگر، هرچند کم‌رنگ و دور از انتظار توجه چندان نمی‌کند. درست است که قطع شدن یک برنامه چالشی در حساس‌ترین لحظات خود، شاید احتمال قطع عمدی را پررنگ‌تر نشان دهد، اما در این مورد خاص، رسانه‌ها باید توجه می‌کردند که هیچ‌گونه قطع عمدی صورت نگرفته و برنامه مناظره تنها با یک بدشانسی مواجه شده که چندان با منطق احتمال جور در نمی‌آید.

غیرمنتظره‌ای که زیاد در برنامه پیش می‌آید این است که مثلاً برق می‌رود. همین اتفاقی که در برنامه امروز افتاد. البته ما برق اضطراری داریم، اما تا وصل شود دو سه دقیقه‌ای طول می‌کشد. در این جور مواقع، بخش شبکه پلی بک بخش می‌کند تا ما دوباره وصل شویم. او به مناظره‌های ریاست جمهوری هم اشاره می‌کند و می‌گوید: من مناظره‌های ریاست جمهوری را بیشتر می‌پسندم، چون نمی‌دانم این مناظره در مردم و مسئولان چقدر جا افتاده است. مثلاً نمی‌دانم آیا آماری هست که مشکلات مطرح شده از آلودگی هوا تا بنزین حل شده یا حتی بخش کوچکی از آن رفع شده است. اینها مواردی است که ما نمی‌دانیم.

رسولی اضافه می‌کند: مناظره‌های ریاست جمهوری خیلی حساس بود. همه چیز حتی لباسمان و کارت ورودمان فرق می‌کرد. کمتر شخصی می‌توانست وارد استودیو شود.

از قدیم گفته‌اند «اشکال فنی»

اکرم حسینی یکی از مسئولان فنی برنامه است. او هم درباره علت قطع شدن برنامه امروز توضیح می‌دهد: از قدیم همیشه گفته‌اند اشکال فنی غیرقابل پیش‌بینی است. امروز، یکی از فیوزها قطع شد و تا خواستیم مشکل را برطرف کنیم طول کشید.

او ادامه می‌دهد: رک دستگاهی است که در استودیو قرار دارد و ارتباط بین دستگاه‌ها از طریق آن برقرار می‌شود. این رک یک لحظه قطع شد و چون دوربین‌های ما داخل آن رک بود، ارتباطات دوربین با استودیو قطع شد.

حسینی می‌گوید: این اتفاقات پیش می‌آید، اما بندرت. چون ما معمولاً در برنامه‌های تلویزیونی، از نیم ساعت قبل از شروع برنامه همه دستگاه‌ها را چک می‌کنیم. اتفاقی که امروز افتاد جزو یک‌هزارم اتفاقاتی است که ممکن است پیش بیاید. اما سر و کار داشتن با دستگاه این مشکلات را هم دارد.

او با اشاره به سوءبرداشتی که ممکن است از این قطع ناگهانی در حساس‌ترین بخش مناظره به وجود آید، عنوان می‌کند: خیلی‌ها ممکن است بگویند چون برنامه حساس است و جنبه اجتماعی-سیاسی داشته شاید بعد قطع شده ولی واقعیت این نیست. هر کسی از دید خودش برداشت خاصی می‌کند.

حساسیت و استرس مناظره‌ها بالاست

شکوفه خیری پور، منشی صحنه امروز بود. او توضیح می‌دهد: وظیفه من هماهنگی بین استودیو و رژی است و در واقع می‌توان گفت به نوعی دستیار کارگردان محسوب می‌شوم و کل پلی‌بک‌ها، زمان برنامه و زمانی که مجری یا مهمانان بخواهند صحبت کنند را هماهنگ می‌کنم. تقریباً می‌توان گفت هماهنگی کامل برنامه به عهده من است.

او ادامه می‌دهد: برای هماهنگی وقت در این مناظره‌ها دستمان بازتر است، اما در مناظره اصلی که بین کاندیداهای ریاست جمهوری بود همکاران فنی ما از طریق دستگاه‌هایی زمان را می‌گرفتند تا هیچ‌گونه تغییری ایجاد نشود.

خیری که در مناظره‌های ریاست جمهوری هم بوده می‌گوید: در برنامه‌های ریاست جمهوری کار منشی صحنه بسیار حساس است، چون اگر یک پلی بک اشتباه بخش شود کل مجموعه به هم می‌ریزد. همین امروز هم قبل از برنامه، همه پلی‌بک را با مهندس صحنه چک کردیم تا روی آنتن اشتباهی به وجود نیاید.

او درباره ادامه مناظره‌ها بعد از مناظره ریاست جمهوری می‌گوید: راستش من دوست نداشتم مناظره‌ها ادامه پیدا کند. چون حساسیت بالاست و استرس آن هم زیاد است.

بعد از این صحبت‌ها، ساعت نزدیک به ۱۹ و ۴۵ دقیقه است و بسیاری از عوامل مناظره، بوفه را ترک می‌کنند تا هر یک در برنامه دیگری حاضر شوند. من هم به سمت در مسجد بلال می‌روم تا بعد از یک مناظره پرحاشیه کمی در هوای آزاد جام‌جم قدم بزنم.



همیشه داغ تر شد

دوازده سیزده سال است این کار را انجام می‌دهم در پخش زنده استرس زیادی ندارم. استرس برای کسانی است که چهار پنج سال است کار می‌کنند. عوامل این برنامه باتجربه و حرفه‌ای هستند. رسولی تأکید می‌کند در برنامه‌های حساس مثل مناظره یا برنامه‌های ریاست جمهوری، تیم خوبی چیده می‌شود تا کمترین مشکل به وجود آید و می‌افزاید: مورد

صحبت می‌کنم. او که تجربه مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را در همین استودیو در کارنامه خود دارد، می‌گوید: من به عنوان مدیر صحنه، رابط بین کارگردان و تهیه‌کننده و منشی صحنه هستم و کنترل تمام اتفاقاتی که داخل صحنه می‌افتد برعهده من است. او ادامه می‌دهد: کار ما تقریباً سخت است، اما چون



ستاره‌ها؛ محافظان گنجینه ادبیات

سری جدید برنامه «مشاعر ستاره‌ها» با چند تغییر روی آنتن شبکه آموزش می‌رود

همه جا پرتو روح خلاق و اندیشه تابناک ایرانی آشکار و هویداست. از میان این آثار بی شمار برخی در ردیف بهترین شاهکارهای ادبی جهان‌اند. به همین سبب برنامه‌سازی در قالب برنامه‌های ادبی در رسانه‌های صوتی و تصویری دارای اهمیت فراوان است. زیرا از طریق ادبیات فارسی می‌توان از گسستگی بین نسل‌ها و فاصله فرهنگی جلوگیری کرد. بی‌توجهی به فرهنگ اصیل فارسی باعث نوعی فراموشی و گمگشتگی فرهنگی در میان نسل جدید می‌شود در نتیجه نسل جدید هویت و خویشتن واقعی خود را فراموش می‌کند و بدون هیچ مقاومتی تسلیم نمادهای فرهنگی بیگانه می‌شود.

او ادامه می‌دهد: امروزه یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های رسانه، فرهنگ‌سازی است. رسانه‌های همگانی به عنوان نهادهای مهم اجتماعی یکی از عوامل اثرگذار بر فرهنگ هر جامعه‌اند. امروزه عمده‌ترین نقش وسایل ارتباط جمعی فرهنگ‌سازی، آموزش و اطلاع‌رسانی است. هر جامعه‌ای بر هویت و شناسنامه فرهنگی خویش تاکید می‌کند و با قدرت و غرور می‌کوشد مشخصه‌های هویتی خود را زنده نگه دارد و از آن دفاع کند. زیرا یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزارهای حفظ نظام‌ها و بالطبع، اقتدار ملی هر کشور، نماد فرهنگ آن است. هر جامعه‌ای داشتن فرهنگ پویا و مقتدر را یکی از نمادهای قدرت و اقتدار ملی خویش می‌داند و همواره می‌کوشد از طریق انسجام‌بخشی به مقوله فرهنگ، از یک سو و تاکید بر ارزش‌های ملی و فراملی خود از سوی دیگر، اقتدار ملی خویش را افزایش دهد تا در برابر حمله‌های فرهنگ‌های بیگانه مصون بماند.

دکتر حدادعادل می‌افزاید: مساله آشنایی مردم با شعر و فرهنگ غنی فارسی فواید بسیاری دارد که یکی از آنها آشنایی با واژه‌های اصیل و کهن فارسی است. شعر جزئی از فرهنگ ما ایرانیان است، به تعبیری با جان مردم درآمیخته است. انس با نظم و نثر فارسی یکی از نشانه‌های فرهیختگی است به طوری که در کلام افراد اندیشمند بیشتر نمود پیدا می‌کند. متأسفانه یکی از نشانه‌های دوری از فرهنگ این است که در مراکز دانشگاهی افرادی تربیت می‌شوند که حتی یک بیت شعر هم حفظ نیستند. در این باره ترویج برنامه‌هایی مثل مشاعر کار مفیدی است. در سال‌های اخیر شاهد پخش برنامه‌های مشاعر از صدا و سیما هستیم هرچه این برنامه‌ها بیشتر شود و به مراکز آموزشی راه پیدا کند، در آشنایی دادن اقشار مختلف جامعه از جمله قشر تحصیلکرده با فرهنگ و ادبیات فارسی بسیار مفید است؛ زیرا معنویت و فضائل اخلاقی از طریق شعر و کلام بزرگان باعث لطیف شدن روحیه افراد می‌شود.

ارائه برنامه مشاعر برای ورود به عرصه ادبیات فارسی گام مفیدی است اما کافی نیست. به تعبیری برای هر کاری بهانه‌ای لازم است و مشاعر می‌تواند بهانه‌ای باشد تا مخاطب رسانه‌های صوتی و تصویری در عرصه مسابقه و رقابت سازنده، بیشتر با ادبیات فارسی آشنا شود. ولی درک مفهوم و توجه به معانی شعر و تلفظ صحیح اشعار نباید در سایه حفظ شعر و مسابقه رنگ ببازد یعنی محتوای شعر و ادب فارسی باید حفظ شود. شعر فارسی زمان و مکان ندارد؛ در عمق شعر فارسی درس‌های اخلاقی، سبک زندگی آمیخته با کنایه، استعاره و تشبیه به شکلی وزین و گویا در هم تنیده شده است.

نکته مهم و اصلی این است که رسانه‌ها با ارائه برنامه‌های فرهنگی در زمینه ادبیات فارسی، این میراث کهن را چگونه به نسل امروز منتقل می‌کنند. خوشبختانه شبکه آموزش سیما در نیل به این هدف از طریق برنامه مشاعر گام برداشته است. امیدوارم در آینده برنامه‌های بیشتری در زمینه فرهنگ و ادب فارسی از این شبکه پخش شود.



سیما پویا

زنده نگهداشتن زبان و ادبیات فارسی همچنین حفظ ارزش‌های فرهنگی است. شعر فارسی هیچ‌گاه قدیمی و کهنه نمی‌شود. چند سال پیش وقتی طرح برنامه مشاعر در شبکه آموزش ارائه شد، عده‌ای این قضیه را مطرح کردند که در روزگاری که از طریق اینترنت اتفاقات و رویدادهای دنیا در کوتاه‌ترین زمان از این سو به آن سو منتقل می‌شود، دیگر کسی بخصوص نسل جوان شعر حفظ نمی‌کند. اما بعد از مدت کوتاهی با سیل علاقه‌مندان به مشاعر روبه‌رو شدیم.

او ادامه می‌دهد: با استفاده از تعالیم فرهنگی ادبیات فارسی می‌توان جلوی تهاجم فرهنگی را گرفت و از طریق فناوری‌های دیجیتال با این نسل هم‌کلام شد. داستان‌ها و حکایت‌های پندآموزی در قالب شعر فارسی بیان شده که با تلفیق انیمیشن و سریال می‌شود این پیام‌ها را با زبانی شیرین و گویا همراه با نشاط و طراوت در قالب برنامه‌های فرهنگی ارائه کرد.

کارشناس برنامه مشاعر ستاره‌ها می‌گوید: با واژه‌های شعر فارسی می‌توان طاق نصرت‌های زیبایی در راه اعتلای فرهنگ فارسی بر سر راه مردم بخصوص نسل جوان احداث کرد. شعر فارسی دارای ابعاد گوناگونی

حدود چهار سال است برنامه مشاعر با اسامی مختلفی از شبکه آموزش پخش می‌شود. تهیه‌کننده برنامه مشاعر به اتفاق دیگر همکاران می‌کوشد با استفاده از جاذبه‌های بصری - رسانه‌ای، ذهن مخاطبان فرهنگ دوست شبکه آموزش را به گونه‌ای آذین‌بندی کند که به طبع لطیف آنها خوش آید. از ۱۲ بهمن امسال سری جدید برنامه با اسم مشاعر ستاره‌ها هر شب به استثنای روزهای تعطیل ساعت ۲۲ از شبکه آموزش سیما در قالب ۲۶ برنامه روی آنتن رفته است. سری دوم برنامه مشاعر ستاره‌ها نیز ایام نوروز در ۱۳ قسمت پخش می‌شود.

امیرحسین آذر، تهیه‌کننده برنامه مشاعر ستاره‌ها می‌گوید: هدف از ارائه برنامه مشاعر ایجاد رقابت سازنده در حوزه شعر است. در سری جدید اسم برنامه، مشاعر ستاره‌هاست؛ چون هر کسی ستاره زندگی خودش است و میزان درخشندگی هر ستاره به تلاش و کوشش افراد بستگی دارد. چیدمان اجزای دکور برنامه نیز گرد طراحی شده، زیرا حرکت ستاره‌ها و اجرام آسمانی حول محوری دورانی انجام می‌شود. در سری جدید بخش ضرب‌المثل نیز به برنامه اضافه شده است. در ضمن نحوه اجرای برنامه نیز تغییر کرده و برای نخستین بار در مسابقه مشاعر ۲۰ نفر شرکت‌کننده در دو گروه ده نفره با یکدیگر رقابت می‌کنند. در هر برنامه هنرمندانی از سینما و تلویزیون شرکت دارند که سرگروه تیم‌های ده نفره هستند. مهوش وقاری، هنگامه مفید، گلاره عباسی، مریم سعادت، شبنم قلی‌خانی، علیرضا جاویدنیا، منوچهر آذری، عباس محبی، اصغر سمسارزاده، حمید حامی، محمدرضا عیوضی، محسن قاضی‌مرادی، میرطاهر مظلومی، کامران تفتی، محسن افشانی و افشین زینوری، دوستانی هستند که دعوت برنامه را پذیرفتند.

امیرحسین آذر یادآور می‌شود: تلاش می‌کنیم هرچند کوچک برنامه‌های تاثیرگذار در حیطه فرهنگ و ادب فارسی از شبکه آموزش سیما ارائه بشود.

دکتر اسماعیل آذر، مجری - کارشناس برنامه مشاعر می‌گوید: هدف اصلی از ارائه برنامه مشاعر



نگاهی به ۲ فیلم تلویزیونی «مرگ یک شاعر» و «گذر»

وقتی ساختار به جذابیت می انجامد

مریم رها



در هفته‌ای که گذشت چند فیلم تلویزیونی از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد که دو فیلم «مرگ یک شاعر» و «گذر» از بین آنها قابل بحث‌تر به نظر می‌رسید.

مرگ یک شاعر: این فیلم تلویزیونی به نویسندگی و کارگردانی حسن هدایت با بازی ساره بیات، امیررضا دلاوری، محمد ساربان، علی طالب‌لو، محمدرضا عباس‌نژاد و علیرضا مهران جمعه بیست و پنجم بهمن ۹۲ در ساعت ۱۴ و ۵۰ دقیقه از شبکه یک سیما روی آنتن رفت. این فیلم محصول سال ۹۱ سیمافیلم و موضوع آن درباره زندگی میرزاده عشقی، یکی از فعالان سیاسی و دوستداران آیت‌الله مدرس است که با حضور در جلسات سیاسی ایشان از تحولات اخیر مجلس باخبر شده و در نشریه خود به نام قرن ۲۰ به افشاگری رضاخان می‌پردازد. این مساله موجب عصبانیت رضاخان شده و میرزاده عشقی به دستور او و توسط عمالش در روز دوازدهم تیر ۱۳۰۳ ترور شد.

در این فیلم زندگی‌نامه سیدمحمد رضا کردستانی ملقب به میرزاده عشقی توسط یک دختر عکاس از فرنگ برگشته روایت می‌شود. او با دیدن برنامه‌ای از این شاعر و نویسنده نامی که در گراند هتل به اجرا درآمده است، به فعالیت‌های ادبی و گرایش‌های سیاسی او علاقه‌مند می‌شود و تصمیم می‌گیرد مقالاتی به زبان فرانسه در باب شرح حال او و مبارزاتش با حکومت رضاخانی بنویسد و با ترجمه برخی اشعارش، او را به دنیای غرب معرفی کند، در حالی که به مرور و در مدت زمان این کندوکاو دل‌باخته او می‌شود.

این فیلم یکی از معدود فیلم‌های مناسبی است که مستقیم به جریان‌های سیاسی برهه تاریخی مذکور نپرداخته است و با یک چیدمان منظم و فکر شده و توسط شخصیت راوی، به مشروطه‌خواهان و مبارزات آنها با سلطنت سردار سپه می‌پردازد. از طرفی سوژه فیلمنامه داستانی ساختگی و تخیلی نیست؛ بلکه زندگی شاعری بنام است و همه داده‌های داستانی براساس واقعیت داستانی او شکل گرفته است.

میرزاده عشقی، شاعر و روزنامه‌نگار دوران مشروطه همان کسی است که جان خویش را بر سر عقیده خود می‌گذارد و در ادبیات و شعر، زبان سرخ و آتشین دارد. عشقی که علاوه بر آنچه گفته شد، هم نمایشنامه‌نویس و اپرانویس، هم مقاله‌نویس و هم طنزپرداز بنام بوده است و بیشترین گسستگی فکری از سنت و رویکرد به تجدد را می‌توان در شعر و اندیشه‌اش سراغ گرفت. در این فیلم، حسن هدایت نشان می‌دهد مدرنیسمی که ریشه در مذهب و سنت داشته باشد، می‌تواند شخص را به فردی آگاه، آزاده و در عین حال باورپذیر و محبوب بدل کند. مدرنیسم عشقی با پیوندی که به مدرس بزرگ، محمدتقی بهار و دیگر آزادمدان آن دوره خورده است، فراتر از هیجان‌ات‌خامدستانه حرکت می‌کند.

در این فیلم، همه اطلاعات مربوط به زندگی عشقی به واسطه تهیه گزارشی از او توسط یکی از علاقه‌مندانش و بدون ترفندی که تلاشی مضاعف باشد برای دراماتیک‌تر کردن اثر، به بیننده منتقل می‌شود

به گونه‌ای که بیننده حس نمی‌کند با یک اثر مستند داستانی مواجه است؛ بنابراین می‌توان گفت «مرگ یک شاعر»، مسیر درستی را در مرحله فیلمنامه نویسی طی کرده و نمونه خوب و البته ساده یک اثر روایتی است که معرفی یکی از ادیبان معاصر تاریخ معاصر را هدف قرار داده است. زبان در این اثر محاوره و گاه به تناسب شخصیت‌ها، همراه با لحنی فاخر است که فاصله چندانی با گفت‌وگوی عامیانه مردم ندارد. در حالی که فیلم از نظر صحنه و لباس بسیار متعهد به دوره تاریخی خود است و هم در انتخاب لوکیشن‌ها، هم در استفاده از تزئینات و اکسسوار صحنه این تعهد مشهود است.

بازیگران مرگ یک شاعر که در گریم بسیار به شخصیت‌های حقیقی نزدیک شده‌اند، سعی بر اجرای یک بازی روان دارند تا از مناسبات رفتاری کلیشه فیلم‌های تاریخی که عموماً جنبه باورپذیری ندارند، فاصله بگیرند، اما گاه این بازی روان چنان در سطح ارائه می‌شود که براحتی می‌توان از دل نقش‌ها خود واقعی‌بازیگر را دید. به‌عنوان مثال کوکب و پدرش تنها دیالوگ‌ها را ادا می‌کنند و در شیوه ادای متن و رفتار آنها دقت یا حساسیت خاصی به چشم نمی‌خورد. کوکب که ساره بیات ایفاگر نقش اوست، هیچ فاصله‌ای از رفتارهای روزمره خود نگرفته و با همه عادت‌های روزمره مقابل دوربین می‌رود و نتوانسته خود را به نقش نزدیک کند. بازیگران فرعی فیلم از جمله صاحب گراند هتل نیز از این امر مبرا نیستند. بازی روان در این فیلم با عدم نمایشگری اشتباه گرفته شده و همین مساله به کلیت کار آسیب‌زده است. گروتوفسکی مقاله کوتاهی به‌عنوان «حمله بر ناشیگری در باب بازیگری» دارد که در آن به این نوع بازیگری خرده می‌گیرد. این که بازیگر به صورت ناشیانه عادت‌های روزمره خود را چه در بیان و چه در بدن و میمیک در نقش‌های مختلف با خود همراه دارد و متوجه این عادت‌های شخصی خود نیست. اولین راه برای زدودن این عارضه از بازیگر شناخت عادت‌های شخصی و حمله بردن به آن به هدف خنثی‌سازی روزمرگی‌های بازیگر است تا بتواند با فراغ بال و باهوش و فراست، عادت‌ها، جزئیات و رفتارهای



نقش را در خود جاری و ساری کند. گرچه در این راه قطعاً نوع هدایت کارگردان نیز بی‌تأثیر نبوده است.

گذر: این فیلم تلویزیونی به کارگردانی یاسر طالبی، از جمله فیلم‌های تلویزیونی مناسبی است که جمعه بیست و پنجم بهمن ماه ساعت ۲۳ از شبکه دو سیما پخش شد.

این فیلم درباره آیت و احمد، دو نفر از نیروهای انقلابی است که ماموریت دارند چمدانی را به منطقه‌ای در شمال ایران ببرند و تحویل دهند. احمد توسط نیروهای ساواک دستگیر می‌شود و آیت که خود پیش از این در خدمت طاغوت بوده با چمدان می‌گریزد تا آن را به صاحبش تحویل دهد و خطاهای پیشینش را جبران کند. او وارد روستایی می‌شود و اهالی آنجا او را معلمی تازه وارد می‌پندارند. آیت از این پندار اشتباه استفاده می‌کند و خود را معلم جا می‌زند و...

فیلم تلویزیونی گذر ابتدا داستان احمد و آیت را موازی با هم پیش می‌برد و پس از گذشت یک‌سوم از شروع فیلم به روایت خطی برمی‌گردد. فضای اولیه فیلم با دیدن سادگی و آرامش مراد چوپان و انتظار خطری که با ساکی که آیت همراه دارد، آرامش قبل از توفان را به بیننده القا می‌کند. این فیلم تلویزیونی، هم در ساختار و هم در ریز داستان‌ها و تصاویر بشدت تحت تأثیر فیلم سینمایی «بابل» است و با موسیقی‌اش، بر همان فضا تأکید دارد و بخش‌هایی از موسیقی گذر، از فیلم بابل انتخاب شده است. حتی اگر این فیلم را یک کیپی فرمال از فیلم مذکور قلمداد کنیم، با این که در فضاسازی بد عمل نکرده است، اما کاستی‌های فراوانی دارد که عمده آن به فیلمنامه برمی‌گردد. فیلمنامه بابل چند داستان موازی را با هم پیش می‌برد که هر کدام برای خود دارای هویتی دراماتیک هستند، اما در نهایت بر یکدیگر اثر می‌گذارند یا از هم تأثیر می‌گیرند؛ اما این فیلم، تنها یک داستان و پیرنگ خطی دارد که سعی می‌کند فرم داستان را پس و پیش کند تا به روایت شکسته‌ای برسد، اما به دلیل نداشتن مواد داستانی لازم، از جایی فرم روایی را از دست می‌دهد و به روایت خطی برمی‌گردد. شاید اگر مستقیم از موسیقی بابل و فضای کوه و گله و بچه‌هایی که درگیر ماجرای اصلی می‌شوند، به‌عنوان تضمین استفاده نمی‌کرد، می‌شد آن را فیلمی مستقل و قابل قبول دانست، اما اکنون یک تجربه ناموفق اقتباسی به شمار می‌آید.

فیلم تلویزیونی گذر، هم از نظر بازیگری و هم از نظر تکنیک‌های تصویری یکی از تله‌فیلم‌های نسبتاً خوب است و مهم‌ترین ویژگی آن فرار از قاب ثابت و استفاده از میزانشن‌های سینمایی است که با فاصله از کلیشه‌های تلویزیونی در روند تولید قرار گرفته است.

کمدی چیست

روح‌اساسان

نویسندگان کمدی اغلب احساس می‌کنند در دنیای افسار گسیخته آنان اصول درام‌نویسی کاربرد ندارد، اما کمدی چه هجویه‌ای سرد و بدون شور و شوق باشد و چه مضحکه‌ای بدون توجیه، صرفاً شکل دیگری از داستانگویی است. با این همه استثناات مهمی وجود دارد که ناشی از شکاف عمیق میان دیدگاه‌های کمیک و تراژیک نسبت به زندگی است.

درام‌نویس ستایشگر انسانیت است و آثاری را می‌آفریند که پیام آنها اساساً این است که روح در بدترین شرایط همچنان شکوهمند است، اما کمدی به این نکته اشاره می‌کند که انسان‌ها در بهترین شرایط هم راهی برای خراب کردن همه چیز پیدا می‌کنند. کمدی، فرم ساده‌ای دارد. اگر تماشاگر بخندد، موفق است و اگر نخندد، شکست خورده است. به همین دلیل منتقدان از کمدی بیزارند، چون چیزی برای گفتن درباره آن ندارند. در کمدی، خنده هر بحث و جدلی را فرو می‌نشاند و حل و فصل می‌کند. درام‌نویس شیفته زندگی درونی، هیجانانگیز، گناهان، دیوانگی و رویاهای انسان است، اما نویسنده کمدی خیر. او به زندگی اجتماعی نظر دارد. نویسنده کمدی نهاد اجتماعی خاصی را که احساس می‌کند دچار زنگار تزویر و حماقت شده است، نشانه می‌رود و سپس با قلم خود به آن حمله می‌کند. غالباً می‌توان از عنوان فیلم هم دریافت کدام نهاد اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفته است. همچنین اگر یک ژانر سینمایی نیز خود را بیش از حد جدی بگیرد و دچار خودبزرگ‌بینی شود، بستر ریشخند و تمسخر را فراهم آورده است. برای مثال اکنون بسیاری از سریال‌ها و آثار نمایشی رفتارهای زندگی روزمره طبقه متوسط مردم را در فضایی کمیک



به باد انتقاد می‌گیرند. اگر جامعه‌ای نتواند نهادها و آداب و رسوم خود را مورد نقد قرار دهد، قادر به خندیدن نیست. کمدی ذاتاً هنری خشمگین و ضداجتماعی است. بنابراین نویسنده برای حل مشکلات یک کمدی ضعیف نخست می‌پرسد من از چه چیزی خشمگین هستم و سپس آن وجهی را پیدا می‌کند که موجبات خشم او را فراهم آورده است و از آن انتقاد می‌کند.

اما در درام، بیننده مدام به آینده چنگ می‌اندازد و می‌خواهد بداند عاقبت ماجرا چیست، اما کمدی به نویسنده امکان می‌دهد حرکت پیش رونده داستان یا به عبارتی ذهن پیشگوی بیننده را متوقف و صحنه‌ای را وارد قصه کند که هیچ هدف و مقصود داستانی خاصی ندارد و صرفاً برای خنده طراحی شده است.

در واقع تفاوت آشکار کمدی و درام این است که در هر دوی آنها نقطه عطف باعث غافلگیری و آگاهی می‌شود، اما در کمدی وقتی شکاف ایجاد می‌شود، غافلگیری، خنده مخاطب را در پی دارد. کمدی به زبان ساده یک داستان خنده‌دار و یک لطفه مفصل و طولانی است. گرچه شوخی و باعث شادی و نشاط داستان می‌شود، اما به تنهایی برای خلق یک کمدی به معنای واقعی کافی نیست. بنابراین فقط زمانی می‌توان مطمئن بود یک کمدی نوشته شده است که قصه برای فرد دیگری بدون نقل‌گفت‌وگوهای بامزه یا شوخی‌های تصویری آن تعریف شود. اگر فرد دوم به داستان بخندد، می‌توان گفت کمدی موفق بوده است. در این صورت است که با چرخش هر صحنه، شنونده می‌خندد و این روند تا جایی ادامه می‌یابد که در پایان داستان او حتی نمی‌تواند خنده‌اش را کنترل کند.

هم می‌توانند باشند و با وسایل ساده که در دسترس همه هست و با اندکی ذوق و خلاقیت می‌توان کارهای خوبی انجام داد. از این تهیه‌کننده در مورد بخش‌های مختلف برنامه می‌پرسیم که می‌گوید: این کار سه بخش اصلی دارد.

۱. بخش ساخت و ساز: در این بخش پنجره‌ای داریم که رو به تخیل بچه‌ها باز می‌شود و هنگام پخش صدایی از بیرون شنیده می‌شود که نریشن است. صدا گاهی با مجری صحبت می‌کند و باعث تصویرسازی ذهنی مخاطب می‌شود چون هر بچه‌ای تخیل و برداشت خودش را دارد. در آینده نیز فضاهای گرافیکی و انیمیشن به این قسمت اضافه خواهد شد.

۲. بخش ناگهان رنگ: با کمک دست و رنگ و حروف الفبا اشکال گوناگون ساخته می‌شود مثلاً با حرف «ن» می‌توانیم یک دلقک درست کنیم.

۳. هیجان دست‌ها: این قسمت را خانم پروین جنتی که از هنرمندان بزرگ و خلاق کشور هستند اجرا می‌کنند و بدون استفاده از قلم و ابزار آلات و فقط با دست و مرکب خطاطی می‌کنند. البته بخش نزد ایرانیان هم بود که قرار بود در آن به فرهنگ و هنر و صنایع دستی و سمبل‌های نوروز و نقش مایه‌های فراموش شده بپردازیم که به دلیل مشکلات مالی حذف شد، اما در صورت تداوم کار در آینده، آن را به برنامه اضافه خواهیم کرد. از زارعان درباره نحوه انتخاب مجریان می‌پرسیم که می‌گوید: ابتدا به دانشکده‌های هنر و موسسات آموزشی مرتبط فراخوان دادیم، چون به افرادی نیاز داشتیم که هم مسلط به بازیگری باشند و هم از پس کار هنری و طراحی و نقاشی برآیند. بیش از صد نفر را مورد آزمون قرار دادیم تا توانستیم افراد مورد نظر را انتخاب کنیم.

وقتی از تهیه‌کننده درباره دکور و همچنین تیتراژ کار سوال می‌کنم می‌گوید: دکور کار فضایی حدود ده در ۱۲ متر است و طراحی آن را خانم سمانه زارعان به عهده گرفتند و هر دو اجرایش کردیم. در ساخت دکوراز ورق‌های گالوانیزه استفاده شده چون انعطاف‌پذیری بالایی دارد و از رنگ‌های شاد به صورت هوشمندانه برای بالا بردن جاذبه بصری استفاده شده است. تیتراژ کار ترکیبی است از رئال و انیمیشن و از حضور کودکان بهره بردیم؛ موسیقی بسیار شاد با سازهای فلوت، بلز و سازدهنی، همراه شعری زیبا. زارعان درباره سختی‌های کار می‌گویند: ساخت کار برای کودکان دشوار نیست مگر این که ندانید می‌خواهید چه کار کنید. کار کودک نیروی متخصص و عشق و علاقه می‌خواهد. من هر بخش را به دست افراد کاردان سپرده‌ام و معتقدم نیروی انسانی متخصص بزرگ‌ترین سرمایه است. اما بزرگ‌ترین مشکل ما مسائل مالی و بودجه است. امروزه بحث اسپانسر خیلی مطرح است. مثلاً یک شرکت تولید ماکارونی می‌آید و اسپانسر برنامه‌ای می‌شود که اصلاً ربطی به آن ندارد. من فکر می‌کنم باید در این زمینه هوشمندانه عمل کرد مثلاً برای همان ماکارونی شخصیت ساخت و قصه نوشت. در برنامه ما



گزارش پشت صحنه برنامه تلویزیونی «دست‌های من» شبکه ۲

دست‌هایی که هنر مندند

آبتین شیوا

اجرای صحیح با کودکان ارتباط برقرار کنیم و از تخیل و اندیشه بی‌نهایت بهره ببریم. هدف ما این است با ساخت این برنامه در قالب ۶۰ قسمت ده دقیقه‌ای بچه‌ها راغب شوند که به دنیای هنر ورود کنند. این برنامه آموزشی نیست. در واقع انگیزشی است و توقع نداریم همه این کاردهستی‌ها را درست کنند. می‌خواهیم آنان را تشویق کنیم با کمک تخیل خود آثار حیرت‌انگیز و هنرمندانه بسازند و خلاقیت و خودباوری در آنها تقویت شود. زارعان درباره انتخاب نام دست‌های من برای برنامه می‌گویند: ما می‌بینیم، فکر می‌کنیم و می‌سازیم. البته مرحله اجرا در این کار پررنگ‌تر است. وقتی با دو دست کار می‌کنیم هر دو نیمکره مغز در حال فعالیت است حروفچین‌ها با دو دست تایپ می‌کنند و پیانو نوازان‌ها با دو دست می‌نوازند و این امر باعث تمرکز بیشتر می‌شود. می‌خواهیم به بچه‌ها بگوییم با دست‌های کوچکشان می‌توانند آثار زیبایی خلق کنند. این را هم اضافه کنم که مخاطب این کار نه فقط کودکان که بزرگسالان

برنامه‌ها در بیشتر شبکه‌های خارجی وجود دارند که با ساخت کاردهستی و با هدف رشد دادن خلاقیت در کودکان ساخته می‌شوند. طرح این برنامه به بیش از سه سال قبل برمی‌گردد که به دلیل پاره‌ای مشکلات از جمله مسائل مالی تاکنون اجرا نشده است. درست است که این کار نمونه خارجی دارد، اما در همه مراحل بومی‌سازی شده از طراحی گرفته تا دکور و نگارش متن و بازی. در هر قسمت برای مجری - بازیگر اتفاقی می‌افتد. او فکر می‌کند و راهکاری می‌یابد که به ساخت یک کاردهستی منجر می‌شود. در برنامه‌هایی که طی سال‌های گذشته ساخته شده نیز آموزش کاردهستی وجود داشته، اما ذهنیتی که از کاردهستی بوده یک ذهنیت نخواستنی و دوست‌نداشتی بوده و آموزش آن جدی گرفته نشده است. در این برنامه ما فرمت جدیدی طراحی کردیم و کوشیدیم تمام عناصر برنامه‌سازی را رعایت کنیم. به‌عنوان مثال با نورپردازی و دکور مناسب و جلوه‌های بصری مخاطب را جذب کنیم. با

ساخت برنامه‌هایی با رویکرد هنری همیشه می‌تواند برای مخاطبان تلویزیون جالب باشد بویژه اگر این برنامه‌ها با چاشنی نمایش و طنز همراه باشند. این روزها تعدادی از برنامه‌سازان گروه کودک و خردسال شبکه دو مشغول ساخت برنامه‌ای برای این گروه سنی هستند. محل تصویربرداری کار، استودیویی در منطقه حکیمیه است. دکور برنامه به شکل جامداتی بزرگ است که در آن لوازمی چون مدادهای رنگی، قیچی، پاک‌کن، خط‌کش و آبرنگ قرار گرفته است. ساعت سه بعدازظهر و قرار است یک قسمت از کار ضبط شود. علی مختارزاده، کارگردان تلویزیونی مقابل مانیتور می‌نشیند و با اعلام آمادگی عوامل، سیامک جاوید و محمود صالحی تصویربرداری را آغاز می‌کنند. مجری یک پیراهن سفید با یقه پایه‌بلند و جلیقه‌ای زردرنگ که با دکمه‌های رنگی تزیین شده پوشیده است و رو به بچه‌های خانه می‌گوید: «سلام حالتون چطوره. اسم این آلبوم گل‌های رنگارنگه. توش پر گل‌ه که هر کدومش یه رنگه. پروانه ذهنم به سمتشون بال می‌زنه. راستی بچه‌ها ما می‌تونیم با ورق آلومینیومی یک قاب عکس درست کنیم. بعد با وسایل روی میز شروع به درست کردن قاب می‌کند و حین کار با بچه‌ها صحبت می‌کند. «کات». مجری قسمتی از دیالوگ را فراموش کرده. یکی از بچه‌های صحنه متن را برایش می‌خواند: «هر خانه‌ای یک باغچه داره. باغچه ما قاب عکس هامونه. هر گلی بویی داره. کی میدونه کدوم خوشبوتره.» ضبط دوباره آغاز می‌شود.

این برنامه انگیزشی است

با پایان گرفتن یک بخش از کار، فرصت مناسبی حاصل می‌شود تا با محمد زارعان، تهیه‌کننده و کارگردان هنری برنامه صحبت کنیم. او که دانش‌آموخته رشته فیلمسازی و تدوین از دانشکده رسانه‌های صدا و سیماست کارش را با فعالیت در ساخت برنامه‌هایی چون سیمای خردسال آغاز کرد و سپس، روزهای هفته و مدادنگی‌ها را برای شبکه تهران ساخت. زارعان درباره شکل‌گیری طرح چنین برنامه‌ای می‌گویند: این گونه



محمد زارعان، تهیه‌کننده و کارگردان هنری «دست‌های من»

ایده‌های ناب برای کودکان خلاق

شبکه پویا با برنامه «نقاشی نقاشی» به کودکان نقاشی یاد می‌دهد

رضوان اناری



«نقاشی نقاشی» عنوان اولین برنامه مستقل آموزش نقاشی برای کودکان در صدا و سیماست که توسط شبکه پویا با هدف پخش نقاشی‌های ارسالی مخاطبان این شبکه و تولید برنامه‌های جذاب و مخاطب‌پسند، روزانه در سه بخش مستقل ده الی ۱۵ دقیقه‌ای ویژه گروه‌های سنی خردسال، کودک و نوجوان پخش می‌شود. در هر قسمت از این برنامه ۳۰ نقاشی برتر از هر گروه سنی با نظر کارشناسان نقاشی شبکه انتخاب می‌شود و گویندگان برنامه در فضایی شاد، جذاب و متنوع به کمک شخصیت‌های انیمیشنی، مدادی و پویا به معرفی و اظهار نظر درباره نقاشی‌های منتخب هر گروه سنی می‌پردازند و در نهایت نشان ممداد طلایی آن روز به نقاشی‌های اول هر بخش اعطا می‌شود.

این، تعریفی از یک برنامه ساده است که البته به همین سادگی‌ها هم که فکر می‌کنیم نیست. روزانه حدود شش هزار نقاشی به شبکه پویا می‌رسد که جدا از نقاشی‌های ایمیلی است. یک گروه در مرکز صبا، یک گروه خارج از مرکز صبا و گروه دیگری هم نقاشی‌های ایمیلی را بررسی می‌کنند تا این تعداد نقاشی بررسی و بهترین‌ها برای پخش انتخاب شود.

کار انتخاب نقاشی‌ها در یک اتاق از مرکز پویانمایی صبا انجام می‌شود؛ اتاقی که دیوارهایش با نقاشی پوشانده شده و حس منحصر به فردی را به کسانی که وارد اتاق می‌شوند، منتقل می‌کند؛ حس خوب کودکی و خلاقیت ناب.

سه میز در اتاق هست و روی همه آنها انبوهی از نقاشی دیده می‌شود، نقاشی‌هایی که بعضاً راه زیادی طی کرده‌اند تا به این اتاق برسند و در صف انتظار دیده‌شدن قرار بگیرند. دسته دسته نقاشی روی هر میز قرار گرفته و هر نقاشی با سبک خاصی کشیده شده است. حتی در بعضی نقاشی‌ها از تکنیک‌های نسبتاً پیچیده‌ای مثل کلاژ استفاده شده است.

شهرام شیرزادی و رامین شرفی، مسئولیت بررسی و انتخاب نقاشی‌ها را برای پخش به عهده دارند. آنها پس از بررسی کارشناسی، نقاشی‌های بهتر را انتخاب و اسکن می‌کنند. البته آنها هیچ کدام از نقاشی‌های بچه‌ها را دور نمی‌اندازند و برای نمایش در نمایشگاه‌ها یا مراسم خاص آرشبو می‌کنند.

شرفی می‌گوید: کار اینجا از اردیبهشت شروع شد که کارهای پستی بچه‌ها را می‌آوردند و ما اسکن می‌کردیم. بیشترین امتیازی که می‌دهیم به خلاقیت بچه‌هاست. ما با هم مشورت می‌کنیم که آیا بچه شش ساله می‌تواند چنین نقاشی‌ای بکشد یا نه. البته از خط بچه‌ها هم معلوم می‌شود نقاشی را خودشان کشیده‌اند یا نه. بچه‌هایی که از بزرگ‌ترهایشان کمک می‌گیرند در کارشان معلوم است. از نظر این برنامه، چنین نقاشی‌ای ارزشی ندارد. خلاقیت هر بچه با توجه به گروه سنی‌اش ارزشمند است.

او ادامه می‌دهد: اینجا کپی هم هیچ ارزشی ندارد. مثلاً شخصیت‌های کارتون‌ی مثل باب اسفنجی، گوفی، اسپایدرمن، بنتن و... را بچه می‌کشند، اما این مساله، خلاقیت بچه را از بین می‌برد. در درجه اول به خلاقیت بچه اهمیت می‌دهیم. ما هر دو سه هفته یکبار به بچه‌ها موضوع می‌دهیم و بررسی می‌کنیم.

این کارشناس انیمیشن توضیح می‌دهد: بچه‌ها حتماً باید کل کادر را در نقاشی‌شان رنگ‌آمیزی کنند و ما به رنگ‌گذاری و اجرای خطوط و طراحی‌شان توجه می‌کنیم. رنگ‌ها اهمیت دارند. مثلاً بچه‌ای که شاد و پرانرژی است از رنگ‌های پرتحرک استفاده می‌کند. خصوصیت اخلاقی بچه‌ها در نقاشی‌شان معلوم می‌شود.



او خاطر نشان می‌کند: ما باید برای هر برنامه، ۳۰ نقاشی آماده کنیم و در این ۳۰ نقاشی، یک برنده اعلام کنیم. نقاشی‌ای را که فاکتورها را رعایت کرده است برنده اعلام می‌کنیم.

شرفی می‌گوید: ابتدا که این برنامه شروع شده بود، چون اول کار بود نحوه اجرای کار و مونتاژ پیش پا افتاده بود، اما الان که کمی جلو رفته خیلی بهتر شده است. قبلاً در برنامه‌های سیما نقاشی‌های بچه‌ها را نشان می‌دادند، اما مجری فقط نام بچه‌ها را اعلام می‌کرد. تحول بزرگ برنامه این است که از دیولورها استفاده کرده‌اند و آنها روی نقاشی حرف می‌زنند. نکات طنز می‌گویند یا شوخی می‌کنند که برای بچه‌ها جذاب است، به طوری که آنها منتظر هستند ببیند روی نقاشی خودشان چه طنز یا شوخی‌ای گفته می‌شود.

این کارشناس انیمیشن تاکید می‌کند: بچه‌ها واقعا برنامه را دوست دارند. شبکه پویا حدود دو سال است تاسیس شده و از وقتی نقاشی نقاشی آمد، پربیننده‌ترین برنامه شد. یعنی انیمیشن‌های آنچنانی این قدر بیننده ندارد که این برنامه دارد.

او اضافه می‌کند: بعد از پخش این برنامه، کم کم کیفیت نقاشی‌ها بهتر شد. اوایل زیاد خوب نبود، اما بعدها کار بچه‌ها جا افتاد. ما می‌توانیم با چنین برنامه‌هایی هم فرهنگ بچه‌ها را بالا ببریم و هم دیدشان را قوی کنیم، مثلاً همین جایزه دادن‌ها می‌تواند موثر باشد.

شرفی تصریح می‌کند: ما از دورترین نقاط ایران نامه

داریم. حتی در برخی موارد امکانات به قدری کم است که پاکت نامه را با دست ساخته‌اند. این نشان می‌دهد با علاقه و ذوقی کارش را فرستاده است. البته به نظر من این برنامه باید به جایی برسد که هر بچه‌ای که نقاشی می‌فرستد، زمان پخش کارش هم به او گفته شود. این کار، سخت است، اما امکانپذیر است. در این صورت بچه‌های پای تلویزیون ناامید نمی‌شوند. پخش باید منظم‌تر شود و حتی به صورت زیرنویس، زمان آن را اعلام کنند.

این کارشناس انیمیشن حتی ایده‌های بالاتری را دنبال می‌کند و می‌گوید: می‌توانیم بچه‌ها را از این طریق به سمت انیمیشن ببریم و از هر کدام از آنها یک انیماتور بسازیم.

شهرام شیرزادی، کارشناس دیگری است که در کنار رامین شرفی، نقاشی‌ها را کارشناسی می‌کند. او درباره تعداد نقاشی‌ها توضیح می‌دهد: معمولاً در روز شش هزار نقاشی به مرکز صبا می‌رسد. این نقاشی‌ها باید توسط خود بچه‌ها کشیده شده باشد. ما نقاشی‌ها را اسکن می‌کنیم و تهیه‌کننده هفته‌ای یک روز آنها را برای پخش می‌برد. البته زود پخش نمی‌شود، چون تعداد به قدری زیاد است که امکانش وجود ندارد.

او می‌گوید: گروه‌های خردسال، کودک و نوجوان برای ما نقاشی ارسال می‌کنند البته بیشترین میزان نقاشی‌ها متعلق به کودکان پنج و شش ساله است. ما نقاشی‌هایی را که در یافت می‌کنیم، دور نمی‌ریزیم، بلکه نگه می‌داریم، چون ممکن است بخواهیم در آینده از آنها نمایشگاه بگذاریم.

این کارشناس نقاشی تاکید می‌کند: نقاشی‌های بچه‌ها بارزش است و نمی‌گذاریم خراب شود یا از بین برود. برای همه اینها زحمت کشیده شده است.

شیرزادی خاطر نشان می‌کند: تعداد نقاشی‌ها زیاد است و بچه‌ها عجله دارند نقاشی خود را ببینند، اما به علت ازدیاد نقاشی‌ها، یک نقاشی شش ماه در نوبت می‌ماند تا پخش شود.

این کارشناس هم از این که مشخص نیست نقاشی‌ها کی پخش می‌شود، گلایه دارد و می‌گوید: بارها شده بچه‌ها تلفن می‌زنند و می‌گویند چرا نقاشی ما پخش نشده که ما پاسخ می‌دهیم شاید پخش شده و شما ندیده‌اید.

شیرزادی به آموزش نقاشی هم اشاره می‌کند و می‌افزاید: در برنامه ما آموزش نقاشی وجود ندارد ولی قرار است برنامه‌هایی طراحی شود که شیوه‌های نقاشی کردن را به بچه‌ها آموزش دهد.

عکس‌ها: زحید حاجی محمدی

شب‌های مفرح رادیویی

برنامه «تهران در شب» در قالبی شاد به موضوعات فرهنگی روز می‌پردازد

زهرا رئیسی

از آنجا که بیشتر شهروندان تمایل دارند ساعات پایانی شب را با آرامش و آسایش بیشتری سپری کنند، برنامه شبکه‌های مختلف رسانه ملی با ریتم و ضرباهنگ آرام‌تری تهیه می‌شود. بامداد از آن مقاطع زمانی شبانه‌روز است که هر شبکه و برنامه‌ای، مخاطبان خاص خودش را دارد. تدارک برنامه‌های جامع با مضامین متعدد فرهنگی، اجتماعی، هنری و... می‌تواند شنونده‌های رادیو را با هر ذائقه و سلیقه‌ای راضی نگه دارد و آنها را به پیگیری برنامه مورد علاقه‌شان ترغیب کند. شبکه رادیویی تهران نیز با محور قرار دادن سلاطین مختلف مخاطبان خود در پاسی از شب، برنامه‌ای را با عنوان «تهران در شب» پخش می‌کند؛ برنامه‌ای که هر شب با یک موضوع و تیم برنامه‌ساز متفاوت به صورت زنده روی آنتن می‌رود. ماهم در یکی از یکشنبه‌های شب‌های زمستانی به جمع عوامل برنامه‌ساز پیوستیم تا بیشتر درباره چند و چون کارشان بدانیم.

به گفته پوریا معلم، مدیر گروه فرهنگ و هنر رادیو تهران، تهران در شب، جنگی فرهنگی، ادبی و هنری است که به دلیل ساعت پخش برنامه روایت ساده‌تری نسبت به سایر برنامه‌ها دارد و حوزه عمومی‌تری را تحت پوشش قرار می‌دهد. این برنامه از شنبه تا جمعه رأس ۳۰ دقیقه بامداد شروع می‌شود و تا دو بامداد ادامه دارد. این مجموعه در بخش‌های متنوع و با حضور کارشناسان مرتبط به ارائه تازه‌ترین اخبار سینمایی، ادبی، هنری و فرهنگی اختصاص دارد. امشب که ما مهمان برنامه تهران در شب رادیو تهران هستیم بامداد یکشنبه است و گروه برنامه‌ساز با محوریت سینما در تدارک و پخش برنامه هستند.

از قرار معلوم برنامه با موضوع‌های متنوع روی آنتن می‌رود؛ مثلاً شنبه‌های تهران در شب، حال و هوایی دیگر دارد، چون درباره خاطره‌ها و نوستالژی و تداعی‌گر موسیقی‌ها و خواننده‌های قدیمی و هنر دوبله است بامداد یکشنبه‌ها نیز به کمدی و طنز اختصاص دارد، تهران در شب دوشنبه‌ها به مسائل اجتماعی اختصاص یافته و به عبارتی دیگر بر روابط و رفتارهای اجتماعی از جمله اخلاق و رفتار افراد تاکید دارد، بامداد سه‌شنبه‌ها نیز به هنرهای تجسمی چون نقاشی، خوشنویسی، مجسمه‌سازی، طراحی، عکاسی، گرافیک و... اختصاص دارد و این برنامه سه‌شنبه‌ها، به بررسی سیر غزلسرایان در ادبیات ایران نیز می‌پردازد.

برنامه با یاد و خاطر خدای منان و سلام و احوالپرسی گرم مجری آغاز می‌شود. پخش موزیک، موسیقی شاد و البته آرام از دیگر ویژگی‌های شاخص برنامه است. حتی صحبت‌های جدی مجری برنامه نیز شنونده‌های این برنامه شبانه را به وجد می‌آورد. این شور و حال را از پیامک‌های بی‌شماری که به برنامه می‌رسد، می‌توان دریافت. پیامک‌هایی که بیشترشان مویز رویکرد موفق برنامه تهران در شب است.

از آنجا که پاسی از شب سپری شده، سکوت سنگینی استودیو را فرا گرفته است. هر کسی با توجه به وظیفه‌ای که به او محول شده به آرامی در حال انجام وظایف خودش است. تا شروع برنامه فرصت کوتاهی باقی است، اما فرصت را غنیمت می‌دانم و با تهیه‌کننده برنامه به گفت‌وگو می‌نشینم. میثم عبدی، تهیه‌کننده بامداد یکشنبه‌ها با بیان این که محور این برنامه در این شب کمدی و طنز است، می‌گوید: برنامه ما در این شب حال و هوای شادی دارد، به طوری که در بخش‌های



این قالب، تلنگری بر عملکردها و رفتارهای اجتماعی و خانوادگی افراد باشد. او می‌گوید: به نظر من آنچه در برنامه‌های طنز و کمدی می‌تواند مدنظر قرار گیرد، الگوها و مضامین جدید است که تکراری و پیش‌پاافتاده یا به عبارتی دیگر کلیشه‌ای نباشد تا بتواند نقدهای پرمایه‌ای را در خصوص مسائل اجتماعی، شهری و... مطرح کند. در این خصوص شاید استفاده از لطایف عبید زاکانی، حکایت‌های گلستان و لطایف ملانصرالدین بیشتر به طنزنویسان کمک کند.

در ادامه برنامه تهران در شب، شنونده‌های این برنامه با روایتی دنباله‌دار از تاریخچه تئاتر کمدی همراه می‌شوند و در قالب جملاتی کوتاه و اثرگذار، موضوعات اجتماعی، فرهنگی و هنری را در قالب طنز دنبال می‌کنند. بخشی که باز هم براساس پیامک‌های رسیده و آماری که از ارزیابی این پیامک‌ها به دست می‌آید، از بخش‌های شنیدنی برنامه است.

از آنجا که رویکرد برنامه‌های طنز، ایجاد سرگرمی و تفریحی برای مخاطب است، نباید فراموش کرد طنز تلفیقی از دو عنصر خنده و اندیشه است. به عبارتی دیگر خنده هدف نهایی طنز نیست، بلکه برانگیختن اندیشه مخاطب اولویت دارد. در طنز باید وجه آگاهی‌دهنده وجود داشته باشد و کار رسانه هم همین است. به نظر می‌رسد رویکرد مهم برنامه تهران در شب، دستیابی به این هدف رسانه‌ای مهم باشد.

بخش دیگری از برنامه تهران در شب، به ارائه گزارش‌ها و مصاحبه طیبه نهانی با کارگردانان فیلم‌های طنز و کمدی سینمای ایران اختصاص یافته است. وی در این قسمت معرفی یک فیلم از سینمای کمدی ایران را به عهده دارد که در این بخش ضمن معرفی کارگردان و عوامل برنامه‌ساز به شیوه بازی بازیگران در فیلم کمدی و چگونگی استفاده از کمدی در موقعیت‌های مختلف فیلم پرداخته می‌شود. برای امشب، فیلم «چهار چنگولی» ساخته سعید سهیلی که چند سال پیش روانه اکران سینماها شد و به فروش بالایی نیز دست یافت و پس از آن راهی شبکه نمایش خانگی شد، انتخاب شده است. نهانی در این بخش به بررسی این فیلم کمدی می‌پردازد. پس از پایان این قسمت، از نهانی می‌خواهیم بیشتر درباره این بخش توضیح دهد. او درباره بخشی که تهیه و اجرایش را به عهده دارد، می‌گوید: در این بخش فیلم‌های کمدی سینمای ایران (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) را با هدف اطلاع‌رسانی و مرور تحلیلی به شنوندگان برنامه معرفی می‌کنیم و هدفی که در این بخش از برنامه در پی آن هستیم، رسیدن به پاسخ این پرسش‌هاست که تاکنون چه آثاری و با کدام محتوا و مضمون در قالب طنز ساخته شده؟ حرکت ما در این حوزه در کدام سمت‌وسو بوده و آیا فیلم‌های ما در این عرصه از کیفیت مطلوب برخوردار بوده‌اند یا نه؟ او ادامه می‌دهد: در این برنامه هر هفته یک فیلم کمدی و طنز مورد بررسی قرار می‌گیرد و قصدمان این است تا درباره محتوا و مضمون فیلم‌ها، اطلاعاتی مفید به شنونده‌ها ارائه شود. ما همچنین در این بخش با بیان خلاصه داستان، چگونگی بازی بازیگران و نوع طنزی که در فیلم استفاده شده، در نظر داریم اطلاعات تکمیلی خوبی به مخاطب ارائه کنیم.

نقد فیلم نیز از دیگر بخش‌های شنیدنی برنامه تهران در شب است. در این بخش ضمن نقد و تحلیل فیلم‌های روی پرده، اطلاعاتی درباره این که چقدر از فیلم استقبال شده و این که آیا فیلم از فروش خوبی برخوردار بوده یا نه، صحبت می‌شود و کارشناسان در این زمینه به اظهارنظر می‌پردازند. در ادامه نیز با کارگردان فیلم مورد نظر درباره فیلم‌گفت‌وگویی ترتیب داده می‌شود و او از چگونگی شکل‌گیری و طرح اولیه داستان، ایده اصلی، فضاسازی، فیلمنامه و همچنین چگونگی انتخاب بازیگران صحبت می‌کند که این بخش نیز غالباً با استقبال مخاطب همراه بوده است.

به گفته دست‌اندرکاران برنامه تهران در شب، تولید یک برنامه رادیویی بویژه در زمینه سینما و تصویر، توجه به این که در رادیو نمی‌توان سراغی از تصویر گرفت، دشواری‌های خاص خود را دارد، اما گروه سازنده این برنامه با استفاده از باند صوتی و دیالوگ‌های فیلم‌ها، موسیقی و نیز پخش گفت‌وگوهای اختصاصی، فضایی را به وجود می‌آورند که مخاطب هیچ‌گاه به این خلأ فکر نکند، حتی برای یک لحظه!

تنظیم موج

برنامه «تهران در شب» از موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز به صورت زنده (از ساعت ۳۰ دقیقه تا ۲ بامداد هر شب) با حضور کارشناسان مرتبط، شنوندگان این شبکه رادیویی را با ارائه تازه‌ترین مطالب، اخبار و رویدادها در حوزه اجتماعی، سینمایی، ادبی، هنری، فرهنگی و... همراهی می‌کند.

دریای معرفت با امواج راديو

زهره زمانی

برنامه «راه رستگاران» از معدود برنامه‌هایی است که به صورت پایدار و طولانی در مدت سه سال سعی کرده گوشه‌ای از دریای معارف نهج البلاغه را به مردم بشناساند. گروه سازنده این برنامه برای ایام عید سال ۹۳ قصد دارند در قالب ویژه برنامه‌ای ۱۵ روزه به بیان خطبه‌های امام علی (ع) پیرامون آفرینش، اهمیت تفکر در آفرینش، اهمیت فکر و عقل بپردازند.

در یکی از روزهای ضبط برنامه معارفی راه رستگاران به پشت صحنه آن در راديو ايران می‌روم. برنامه آماده ضبط است و بعد از اعلام نام برنامه از سوی امیر نوری، گوینده پیشکسوت بیشتر برنامه‌های راديو، حجت‌الاسلام علی سرلک با نام و یاد خدا سخنانش را آغاز می‌کند. سرلک ابتدا با اشاره به خطبه ۸۷ نهج البلاغه به فرازهایی از سخنان امیرالمومنین (ع) درباره کسانیکه به تعبیر حضرت علی (ع) احب عباد بودند و خدا آنها را خیلی دوست داشت، اشاره می‌کند و به شرح این بیانات می‌پردازد. او در شرح خود به این نکته اشاره می‌کند که انسان محبوب خدا، انسانی است که بخش عمده محبتش نسبت به آینده، او را محزون کرده است. با نگرانی درصدد است عظمتی را که پیش رو دارد، به دست بیاورد. بخش دیگر این است که محبوب خدا یک انسان بی‌درد و بی‌تفاوت نسبت به جامعه نیست.

بخش نخست، سخنان سرلک که به پایان می‌رسد سراغ سردبیر این برنامه می‌روم تا از رویکرد و میزان موفقیت آن جويا شوم. عبدالله علایی، سردبیر و تهیه‌کننده جوان برنامه که از سال ۸۴ همکاری خود را با گروه اندیشه راديو ايران آغاز کرده است، می‌گوید: تا جایی که امکان دارد تلاش می‌کنیم همه مباحث نهج البلاغه را در حد کوتاه و مختصر در این برنامه ارائه کنیم که البته از آنجا که منتقل کردن این مباحث معارفی در زمان کوتاه نیازمند نگرش جامع و عالمانه است، این کار ساده نیست. ما ابتدا تصمیم گرفتیم با توجه به اهمیت نهج البلاغه و آموزه‌های این کتاب ارزشمند، برنامه‌ای کوتاه و کاربردی در ساعات پرشنونده پخش شود و طرح برنامه راه رستگاران برای پخش تصویب شد و در پی آن پس از یکسری تحقیق و بررسی منابع مختلف از جمله شرح ابن‌ابی‌الحدید و کتب و شرح‌های دیگر، موضوعات اخلاقی و تربیتی استخراج شد. ابتدای برنامه، کل حکمت‌های نهج البلاغه به طور کوتاه و موجز و کاربردی مورد استفاده قرار گرفت. بعد از آن به بررسی نامه ۳۱ نهج البلاغه و سپس خطبه متقین و خطبه ۸۷ نهج البلاغه پرداختیم.



علایی در ادامه با اشاره به استقبال مخاطب از راه رستگاران ادامه می‌دهد: با توجه به ساعت پخش این برنامه بازخوردهای مختلفی از اقصی نقاط کشور دریافت شد که این از علاقه و اشتیاق زیاد مخاطب و آشنایی بیشتر با معارف اهل بیت (ع) نشان داشت.

همچنین با توجه به مهجور بودن نهج البلاغه میان مردم و نیاز بسیار شدید آنها به پرداخت بیشتر به نصایح و آموزه‌های این کتاب، برنامه از گروه اندیشه راديو ايران پخش می‌شود.

او همچنین با اشاره به درخواست تعداد بیشماری از شنوندگان برای تهیه مجموعه‌ای متمرکز از برنامه‌های

تنظیم موج

برنامه راه رستگاران هر روز بجز جمعه‌ها قبل از خبر ساعت ۸ صبح از راديو ايران پخش می‌شود. شنوندگان راديو ايران و علاقه‌مندان برنامه‌های معارفی - مذهبی می‌توانند با شماره تلفن ۲۲۱۶۷۹۴۷ با این برنامه و با گروه اندیشه راديو ايران در ارتباط باشند. آدرس اینترنتی این برنامه radioiran/andesheh.ir است.

قدم‌زنی در ساحل یک اقیانوس

حجت‌الاسلام علی سرلک، کارشناس برنامه راه رستگاران می‌گوید: در این برنامه توفیقی نصیب شده که هر روز صبح از نهج البلاغه صحبت کنیم. ابتدا از کلمات قصار کار را شروع کردیم و به بعضی نامه‌های مولا علی (ع) پرداختیم تا امروز که براساس شیوه‌ای مختصر و مفید در برنامه جمع و جور با خطبه‌های نهج البلاغه پیش می‌رویم. تقریباً سه سالی است قبل از خبر ساعت ۸ صبح به مدت سه تا چهار دقیقه پخش می‌شود. بتازگی هم داریم در خصوص خطبه ۸۷ که وصف بندگان محبوب خدا در کلام امیرالمومنین است، صحبت می‌کنیم.

او در ادامه درباره لحنی که برای انتقال مفاهیم نهج البلاغه در این برنامه برگزیده است، می‌گوید: به اقتضای رسانه، چون برنامه صبحگاهی است سعی می‌کنیم با شادابی و با انتخاب کلمات، این مهم را انجام دهیم، همچنین با استفاده از واژگان، تمثیل، استعاره، شعر و ضرب‌المثل می‌خواهیم نه تنها مخاطب عمومی خود را راضی کنیم، بلکه مخاطبان خاص و فرهیختگان نیز از شنیدن این برنامه اقناع شوند. در طول مدتی که برنامه پخش می‌شود، بعضی مخاطبان با من گفت‌وگو کرده‌اند که آن‌طور که از کلام آنها برمی‌آید، از فضای برنامه احساس رضایت دارند.

او درباره تأثیر شناخت نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) برای طرح بهتر مفاهیم بلند نهج البلاغه می‌گوید: آنقدر اقیانوس کلمات امیرالمومنین (ع) ژرفناک و بیکران است که ما فقط می‌توانیم در کنار این اقیانوس قدم بزنیم. ما باید با نهج البلاغه مانوس شویم و از رهگذر کلمات امیرالمومنین، مدار زندگی خودمان را طراحی کنیم.

یک کتاب شبانه‌روزی

رضوان اناری

برای شنیدن یک کتاب صوتی، انتخاب داستان خوب و یک صدای دلنشین کافی است هر مخاطبی با شنیدن آن جذب شود؛ اینها ویژگی‌هایی است که «کتاب شب» راديو تهران دارد.

کتاب شب را بهروز رضوی اجرا می‌کند و هر هفته یکی از بهترین رمان‌های تاریخ ایران و جهان برای روایت انتخاب که باعث می‌شود دو مولفه لازم برای یک برنامه پرشنونده راديو وجود داشته باشد.

این برنامه با ساختاری راديو تنظیم شده و در عین حال، بیشترین همخوانی را با متن اصلی کتاب‌های انتخاب شده دارد. همین مساله باعث می‌شود شنونده بتواند با خیال راحت، هر برنامه‌ای از کتاب شب را دنبال کند. نکته حائز اهمیت در کتاب شب، انتخاب با سلیقه آثار ادبی است که بی‌تأثیر از نقش محسن حکیم معانی، سردبیر این برنامه نیست. حکیم معانی، نویسنده است و توانسته سلیقه فاخری بر برنامه کتاب شب حاکم کند.

مخاطبان برنامه هم مجاز هستند از طریق پیامک یا پست الکترونیک کتاب شب، رمان مورد علاقه خود را معرفی کنند تا به‌وسیله بهروز رضوی در کتاب شب روایت شود. این نکته هم به نقطه مثبتی تبدیل شده که تعامل مثبت یک برنامه با مخاطبان خود را نشان می‌دهد؛ این تعامل می‌تواند به تنهایی مخاطبان زیادی را به برنامه کتاب شب جذب کند تا با شنیدن حتی یک قسمت از آن به شنونده دائمی برنامه تبدیل شوند.

کتاب شب در کنار همه نقاط قوت خود، مخاطب را با کتاب آشتی می‌دهد؛ حالا که کتاب خواندن در جامعه ما باب شده، روایت‌های اینچنین ادبی، کمک شایانی به علاقه‌مند کردن مخاطبان به ادبیات و کتابخوانی می‌کند و دست‌کم باعث می‌شود نام آثار ادبی مطرح به گوش مخاطب عام برسد.



با این که بیشتر مخاطبان کتاب شب را مخاطبان ادبی و کتابخوان تشکیل می‌دهند این برنامه با استفاده از خاصیت‌های راديو، این توانایی را دارد که بتواند مخاطبان عام‌تر را هم به خود جلب کند.

برنامه کتاب شب، هر شب از ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه از راديو تهران روی آنتن می‌رود که با توجه به فراغت نسبی مخاطبان در این ساعت، زمان مناسبی برای گوش سپردن به یک برنامه راديو با خصوصیت آرام و ریتم تقریباً کند محسوب می‌شود.

این برنامه شبیه آدیو بوک یا همان کتاب صوتی، در سایت اینترنتی راديو تهران هم در دسترس است که برای مخاطبان و علاقه‌مندان بسیار مفید خواهد بود تا بتوانند هر زمان که خواستند این برنامه را بشنوند. همین مساله باعث می‌شود کتاب شب، نه تنها فقط کتاب شب نباشد، بلکه کتابی برای همه اوقات شبانه‌روز و یک بسته مناسب کتاب صوتی باشد.

نقش موسیقی هم در کتاب شب حائز اهمیت است. موسیقی، متناسب با یک برنامه راديو بدقت به کار رفته و در برنامه اصلی خللی وارد نمی‌کند، بلکه ریتم آرام و ملایم آن که با صداب بهروز رضوی هم همراه است، شنونده را به ادامه همراهی با کتاب شب تشویق می‌کند.

پخش شده راه رستگاران می‌گوید: برای تحقق خواسته مخاطبان، این پیشنهاد در دست بررسی است.

خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، معروف به خطبه همام مورد بررسی قرار گرفت و هم‌اکنون هم خطبه ۷۸ نهج البلاغه بررسی و بازخوانی می‌شود. بخش دیگری از برنامه در حال ضبط است که اکبر عاشوری، مدیر گروه ایران و حماسه راديو ايران برای نظارت بر این برنامه دینی - معارفی در استودیوی ضبط برنامه حضور پیدا می‌کند. او درباره برنامه راه رستگاران می‌گوید: این برنامه در زمانی کوتاه به بیان سخنان مولای متقیان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌پردازد. در این برنامه سعی شده تا جای ممکن اختصار گویی و ایجاز رعایت شود در ضمن، کلام نافذ و شیوای آقای سرلک، مزید بر علت شده که بهتر بتوانیم مفاهیم را به شنونده و مخاطب خود برسانیم.

او با اشاره به این که در راديو برنامه‌هایی که همه قسمت‌های آن به نهج البلاغه اختصاص داده شود، نداریم و راه رستگاران از این بابت یک برنامه منحصر به فرد است، تصریح می‌کند: بعضی کلمات و سخنان هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود و بعضی تجارب همیشه و در هر زمان و مکانی قابل بازخوانی و استفاده است. کلام علی (ع)، بعد از قرآن یکی از کلام‌های نافذ و شیوای است که می‌تواند انسان را در بن‌بست‌ها و در حین مواجه شدن با علامت‌های سوال یاری‌رسان باشد. بخصوص در این مقطع از تاریخ که راه‌های فرعی و اصلی‌نما در مقابل انسان‌ها خودنمایی می‌کند!

سازندگان برنامه راه رستگاران معتقدند امروزه جامعه کمتر از گوهر نهج البلاغه استفاده کرده است، در حالی که می‌تواند پررنگ‌ترین نقش‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی ایفا کند، چون این کلمات فقط متعلق به تاریخ نیست و برای عصر حاضر هم کاربرد دارد.

در ادامه برنامه، کارشناس قرآنی راه رستگاران با استفاده از شعر و حکایت‌های کوتاه می‌کوشد مخاطب بیشتر به معنای کلام حضرت علی (ع) و مفاهیم کتاب نهج البلاغه پی ببرد.

این برنامه معارفی با کلامی از امام خمینی (ه) درباره مظلومان جهان به اتمام می‌رسد.



در این ارتباط، او مبارزه با نیروهای شر و شیطانی را آغاز می‌کند تا ضمن کمک به مردم عادی و بیگانه از بار گناهان خود نیز بکاهد. این فیلم با هزینه تولید صد میلیون دلاری تهیه شد و در آمریکای شمالی ۷۵ میلیون دلار فروش کرد. این رقم پایین فروش باعث شد تحلیلگران اقتصادی سینما از آن به عنوان فیلمی یاد کنند که در جدول گیشه نمایش سینماها شکست تجاری خورده است. جالب این که تهیه‌کنندگان این فیلم سینمایی در تدارک تولید دومین قسمت آن هستند. نیل مارشال، کارگردان قسمت اول مجموعه کنستانتین (که احتمالاً کارگردانی چند اپیزود دیگر آن را هم به عهده خواهد گرفت) در ارتباط با این کار تلویزیونی می‌گوید: دلایل متعددی باعث شکست نسخه سینمایی کنستانتین شد و من قصد ندارم درباره آن صحبت کنم. نکته‌ای که می‌خواهم درباره اش حرف بزنم این است که مجموعه ما چیزی شبیه آن فیلم سینمایی نخواهد بود.

تلاش من و همکارانم این است که کاری جذاب و تماشایی با یک قصه سر راست و شیرین خلق کنیم تا بتواند تماشاگران را جذب کرده و باعث شود آنها مشتاق باشند اپیزودهای بعدی مجموعه را تماشا کنند. در کنار جلوه‌های ویژه جذاب و چشم‌نواز (که لازمه مجموعه‌ای از این نوع است) باید قصه‌هایی قابل باور و مقبول تعریف شود تا تماشاچی تلویزیونی با آنها همذات‌پنداری کند.

رسانه‌های گروهی می‌نویسند تهیه‌کنندگان مجموعه کنستانتین با انتخاب نیل مارشال برای کارگردانی اپیزود اول آن کار درستی انجام داده‌اند. این فیلمساز سینما که از سال ۲۰۰۲ فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرد، از سال ۲۰۱۰ با ترک فعالیت‌های سینمایی همکاری خود با رسانه تلویزیون را شروع کرده است. طی چهار سال اخیر او با دو مجموعه تلویزیونی «سیاه» و «بازی ترون‌ها» همکاری داشته است. بخش مجموعه دوم از سال ۲۰۱۲ شروع شده و هنوز هم با موفقیت ادامه دارد. این درام تاریخی ماجراجویانه و فانتزی براساس قصه دیوید بینوف، دی‌بی ویس خلق شده و پیتر دینکلاچ و لناهیدی بازیگران اصلی آن هستند. خط اصلی قصه درباره تلاش هفت خانواده نجیب‌زاده برای کنترل سرزمین افسانه‌ای

وستروس است. استقبال تماشاگران از بازی ترون‌ها باعث شد ماجراجویی‌های آن به فصل چهارم هم برسد. منتقدان تلویزیونی عقیده دارند همکاری نیل مارشال با این پروژه، یکی از عوامل اصلی موفقیت بالای آن در بین بینندگان تلویزیونی بوده است.

شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی، کنستانتین را با هزینه تولید ۱۲ میلیون دلاری تهیه می‌کند. هنوز زمانی برای شروع کار فیلمبرداری آن اعلام نشده، ولی منابع نزدیک به مجموعه می‌گویند اپیزود اول آن تا قبل از پایان سال ۲۰۱۴ روی آنتن خواهد رفت. فصل اول مجموعه در ۱۲ اپیزود تهیه می‌شود و از حالا پیش‌بینی می‌شود فصل‌های بعدی آن هم در دستور کار تولید قرار گیرد. تهیه‌کنندگان کنستانتین هم‌اکنون در حال انتخاب بازیگری بیست‌وپنج تا سی ساله هستند تا بازی در نقش جان کنستانتین را به دست او بسپارند.



مبارزه تلویزیونی «کنستانتین» با نیروهای شیطانی

ورایتی / مترجم: کیکاووس زبیری

شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی در تدارک تولید مجموعه‌ای تلویزیونی براساس قصه کمیک‌استریپی «کنستانتین» است. این قصه مصور را شرکت انتشاراتی دی‌سی کامیکز منتشر کرده و قرار است در تولید تلویزیونی آن هم مشارکت داشته باشد. نیل مارشال، فیلمساز صنعت سینما، قرارداد کارگردانی اولین اپیزود آن را امضا کرد. این قسمت از مجموعه به صورت یک فیلم سینمایی تلویزیونی ساخته می‌شود. شبکه ان‌بی‌سی دو هفته قبل اعلام کرده بود قصد دارد این مجموعه تلویزیونی را تولید کند و خیلی سریع کارگردان آن را انتخاب کرد. فیلمنامه اپیزود اول کنستانتین را دیوید اس‌گوبید با همکاری دانیل کروونه نوشته است.

شخصیت اصلی این مجموعه تلویزیونی جان کنستانتین است. این شخصیت اولین بار سال ۱۹۸۵ در قصه مصور «افسانه اشیای متحرک» به دستداران دنیای کتاب معرفی شد. جان کنستانتین سال ۱۹۸۸ به صورت شخصیت اصلی قصه‌های مصور درآمد و به موجودی با هویت مستقل تبدیل شد. قصه‌های مصور کنستانتین با استقبال دستداران قصه‌های مصور روبه‌رو و تا ۳۰۰ نسخه آن منتشر شد. پس از چاپ سیصدمین داستان کنستانتین، شرکت دی‌سی کامیکز سراغ چاپ قصه‌های بعدی آن نرفت.

جان کنستانتین یک جادوگر متخصص بود که بتدریج به یک مأمور عالی‌رتبه پلیس تبدیل می‌شود و سراغ حل پرونده‌های عجیب و غریب و پر رمز و راز ماورایی می‌رود. او که حالا به نوعی به یک ابرقهرمان تبدیل شده، از مردم عادی در برابر نیروهای شیطانی



حومه‌اش اتفاق می‌افتد. به همین دلیل تهیه‌کنندگان مجموعه قصد دارند کل صحنه‌های اپیزودهای مختلف آن را در این شهر اروپایی فیلمبرداری کنند. باور آنها این است که لوکیشن‌های این شهر به کمک قصه و حال و هوای آن می‌آید تا کنستانتین بهتر بتواند با دشمنان خود مقابله کند. تهیه‌کنندگان کنستانتین به صورت رسمی گفته‌اند مجموعه آنها تفاوت‌های آشکار و زیادی با نسخه سینمایی قصه مصور کنستانتین (که سال ۲۰۰۵ روی پرده سینماها رفت) خواهد داشت. این فیلم سینمایی را فرانسیس لورنس کارگردانی کرد و فیلمنامه آن براساس قصه مصور جیمی دلانو نوشته شد. کینو ریز در این درام فانتزی و ترسناک در نقش شخصیت کنستانتین بازی کرد. او مردی با یک گذشته تاریک و سرشار از گناه بود که تصمیم می‌گیرد راه رستگاری را دنبال کند و به یک آدم خوب تبدیل شود.

و منفی قصه حمایت می‌کند. در هر قسمت مجموعه قصه‌های مصور کنستانتین، شخصیت مرکزی آن با یک ماجراجویی تازه روبه‌رو می‌شود و با یکی از موجودات خبیث مبارزه می‌کند. قرار است در هر اپیزود مجموعه تلویزیونی آن هم کنستانتین راهی مبارزه با یک نیروی پر قدرت منفی شود. به این ترتیب، این مجموعه اکشن و ماجراجویانه با جلوه‌های ویژه تصویری زیادی همراه خواهد شد. از این‌رو سازندگان مجموعه می‌گویند باید چشم‌انتظار صحنه‌های سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز زیادی باشند. از سال ۲۰۱۲، مسئولان شرکت دی‌سی کامیکز در فکر احیای تصویری قصه معروف خود بودند و به دنبال یک شبکه تلویزیونی قوی می‌گشتند تا مطمئن شوند یک مجموعه جذاب و تماشایی از قصه پر خواننده آنها تولید خواهد شد. ماجرای قصه مصور کنستانتین، در شهر لندن و

«باربارالا» روی صفحه کوچک

در این نقش انتخاب می‌شود. نام کارگردان مجموعه تلویزیونی باربارالا تا یک ماه دیگر اعلام می‌شود. کلید فیلمبرداری این اکشن علمی - تخیلی ماه مارس زده خواهد شد.

دلورانتیس، تهیه‌کننده قدیمی سینماست. جالب است این تهیه‌کننده - که سال ۱۹۶۸ نسخه سینمایی باربارالا را تهیه کرد - بعدها چند بار تلاش کرد نسخه تلویزیونی آن را هم تولید کند. مارتا دلورانتیس می‌گوید، او و همکارانش نزدیک هشت سال در تدارک تولید این نسخه تلویزیونی هستند.

با این حال، وی دلیل طولانی شدن زمان تولید مجموعه را اعلام نکرده است. باربارالای تلویزیونی در یک فصل ۱۳ اپیزودی تهیه خواهد شد و تهیه‌کنندگان آن هم‌اکنون در حال انتخاب بازیگر اصلی آن هستند. گفته می‌شود آنها اصرار دارند نقش باربارالا را یک بازیگر تلویزیونی (و نه سینمایی) بازی کند و به احتمال زیاد یک بازیگر تازه‌وارد برای بازی

در مجله فرانسوی وی - ماگازین به چاپ رسید و کمی بعد به صورت کتابی مستقل روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت. اما شهرت بسیار زیاد این کتاب به سال ۱۹۶۶ مربوط است که فیلم سینمایی براساس آن ساخته شد.

روژه وادیم، فیلمساز مستقل سینما، کارگردان این درام علمی - تخیلی بود و همسر او جین فوندا در نقش اصلی آن بازی کرد. این فیلم هم‌اکنون به صورت یکی از آثار کلاسیک تاریخ سینما درآمده است. قصه باربارالا درباره زن ابرقهرمان و سلحشوری است که باید برای ادامه حیات در یک فضای سرد و خشن با نیروهای منفی زیادی مقابله کند. نسخه تلویزیونی باربارالا را مارتا دلورانتیس تهیه می‌کند. او همسر دینو



شرکت فیلمسازی فرانسوی گائوموت به دنبال تولید مجموعه تلویزیونی «باربارالا» ست. فیلمنامه این اکشن علمی - تخیلی آینده‌نگرانه را نیل پورویس و رابرت وید می‌نویسند که در کارنامه‌شان فیلم «اسکای فال» را با بازی دانیل کریک دارند. آنها فیلمنامه اقتباسی خود را براساس قصه جنجالی و معروفی از ژان کلود فورتس می‌نویسند. قصه باربارالا اولین بار سال ۱۹۶۲

قالب کوچک

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.